


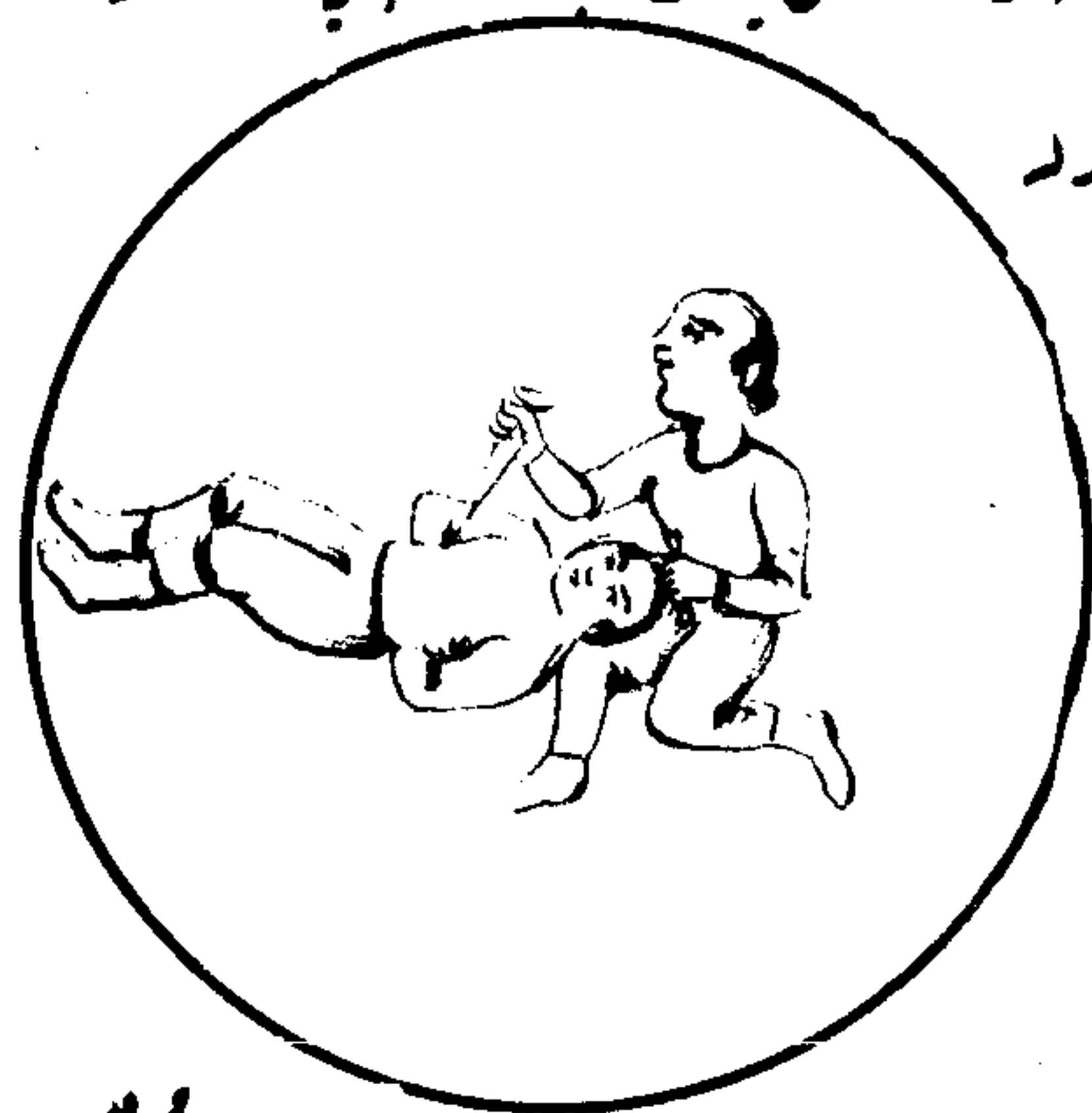
بسم الله الرحمن الرحيم

بدانکه حروف را خواص بسیار است باب در بیان خواصها  
عربی حکیم گوید که این خاصیت عجیب دارد جهت یاد گرفتن  
و ترکیب و اختراع کلمات و در آمدن سخن در دل و کشتن دشمنان  
و اما عمل بجهت زیر که بنویسد شکل مثلث بر کوزه نقره بمشک  
و زعفران و بعد از آن بکلاب و سرکه کهن بشوید و هر روز در  
از آن بیاشامد که فعلی عجیب دارد و شکست اینست و اما ظاهرش  
و آن عدد پنج است باین شکل  این مانند خاصیتها  
عربی اما خاصیت بدین شکل بنویس بر پوست شیر صورت

مردی و خجری دارد

دگری را

میکند

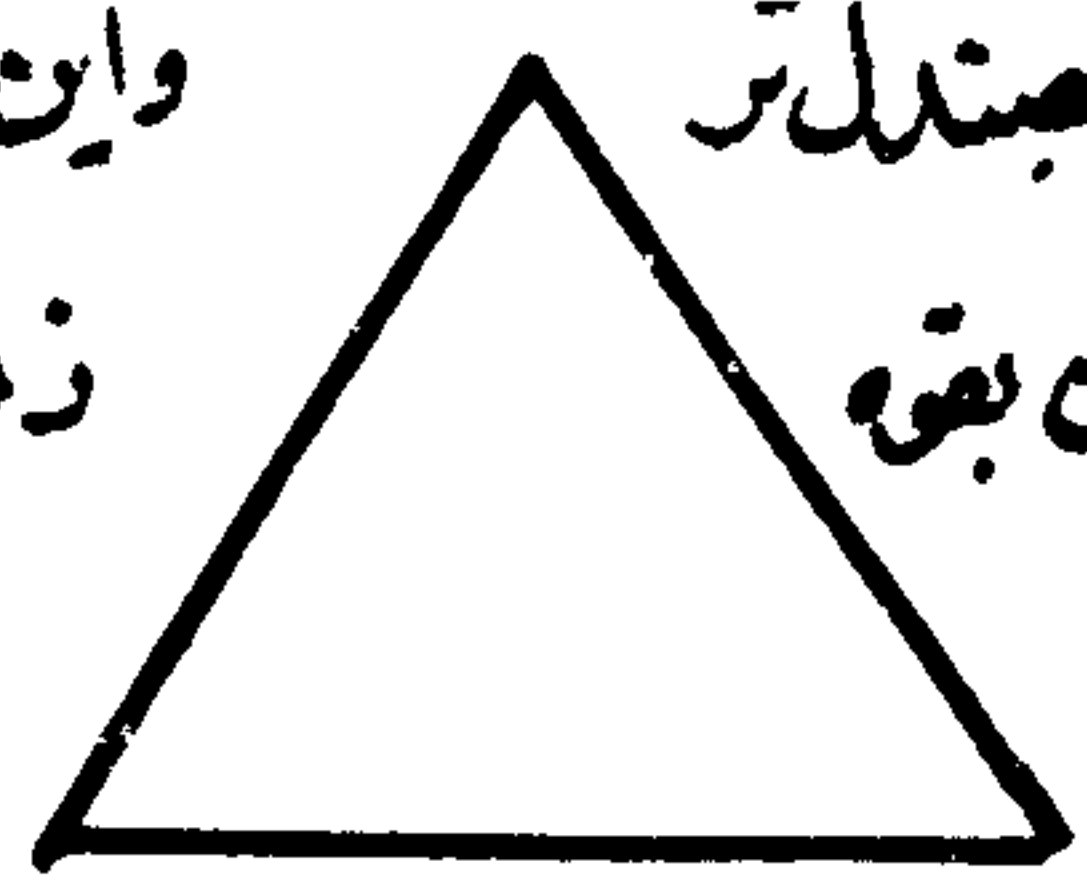


و در سینه کشده ۴ ها بنویسد بنام خود و مادر خود و در سینه  
انکه میکندش و در ها بنویسد و در اندرون سینه اش نام دشمن  
و مادر او پس دایره کرد این صورتها بکشد و بیرون دایره چهلها  
بنویسد و در اندرون دایره دو واژه صاد بعد از آن بخورد کند  
بدل سگ و آنرا دفن کند در جایی که قصابان سلخ کنند و بعد از آن

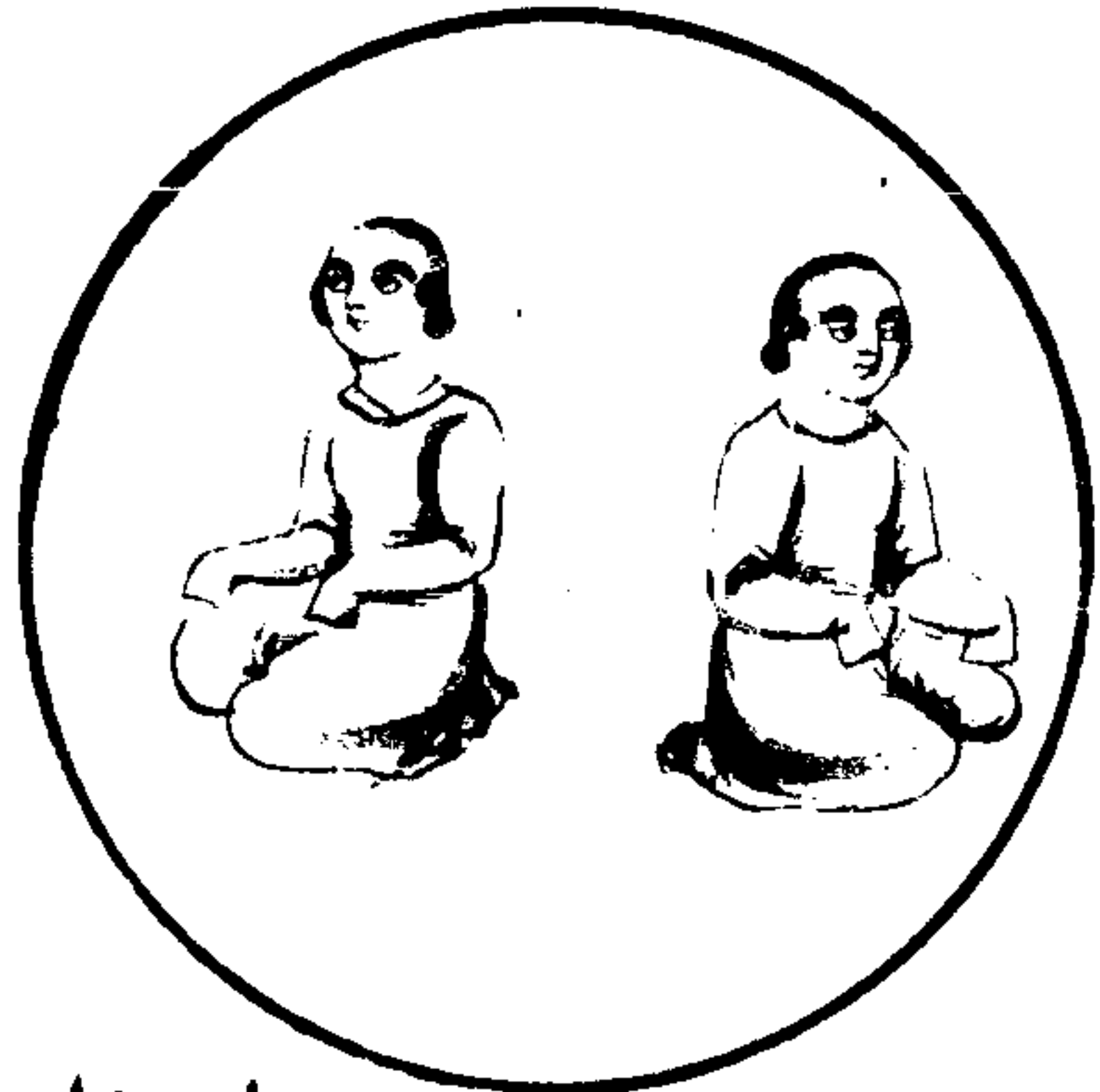
~~سرد و عجیب بنید و آن عمل در قوی است~~

سعد نباشد و قریا و ناظر بد و نظر دشمنی تا این عمل تمام شود  
باب الواو العربیة حکیم گوید که خاصیت او عربیة که نکره دار  
که چون این عمل خواهی کردن وقتی باشد که قمر در سرطان باشد  
و متصل باشد بر محل بگیر پاره موم سفید و بساز بنام انکس  
تو خواهی و نام ماد او و صورت بعد از آن بکش بر آن دایره  
پس بگیر پاره پوست یاقوت کهن و بنویس بر آن نام او را نام مادرش  
و بنویس بر آن چهارده و او بدین صورت و این شکل را در شکم  
این صورت بنه با پاره از پییر خوک بر نام انکس که خواهی و در فن

کن در پیکاه اسبابا اما عجایب بینی و اما او هندی  
 که ان صورت شش است بدین شکل و خاصیت این ضد <sup>بیت</sup> <sup>بیت</sup>  
 و این شکل بنویسد بر پوست اشتر و شمع سفید و اضافه کند  
 و او هند که سر شین بدین شکل با باب لواء حکیم کو <sup>بیت</sup> <sup>بیت</sup>  
 خاصیت او است که چون بگیری اطلس زرد معدنی چون زهر  
 در شرف باشد و چون خانه زهر او بخوس خالی باشد بنویس <sup>بیت</sup>  
 مثلث و بیت و یک زاویه را طرفان مثلث نویس بدین  
 شکل و بخور کند بصندل <sup>بیت</sup> <sup>بیت</sup>  
 در دوستی زنان بقوه <sup>بیت</sup> <sup>بیت</sup>  
 واه عمره است <sup>بیت</sup> <sup>بیت</sup>  
 است عجیب اگر بنویسی بیت و یک زاویه در پیش خون خواند <sup>بیت</sup>  
 نویسی باید که مدور باشد و بران جا صورت که خواهد <sup>بیت</sup>  
 نگاه مرد خواه زن و لیت صورت بر پشتان صورت دیگر <sup>بیت</sup>  
 و قمر و تربیع زحل باشد با مقابله او بنویسد نامها <sup>بیت</sup> <sup>بیت</sup>



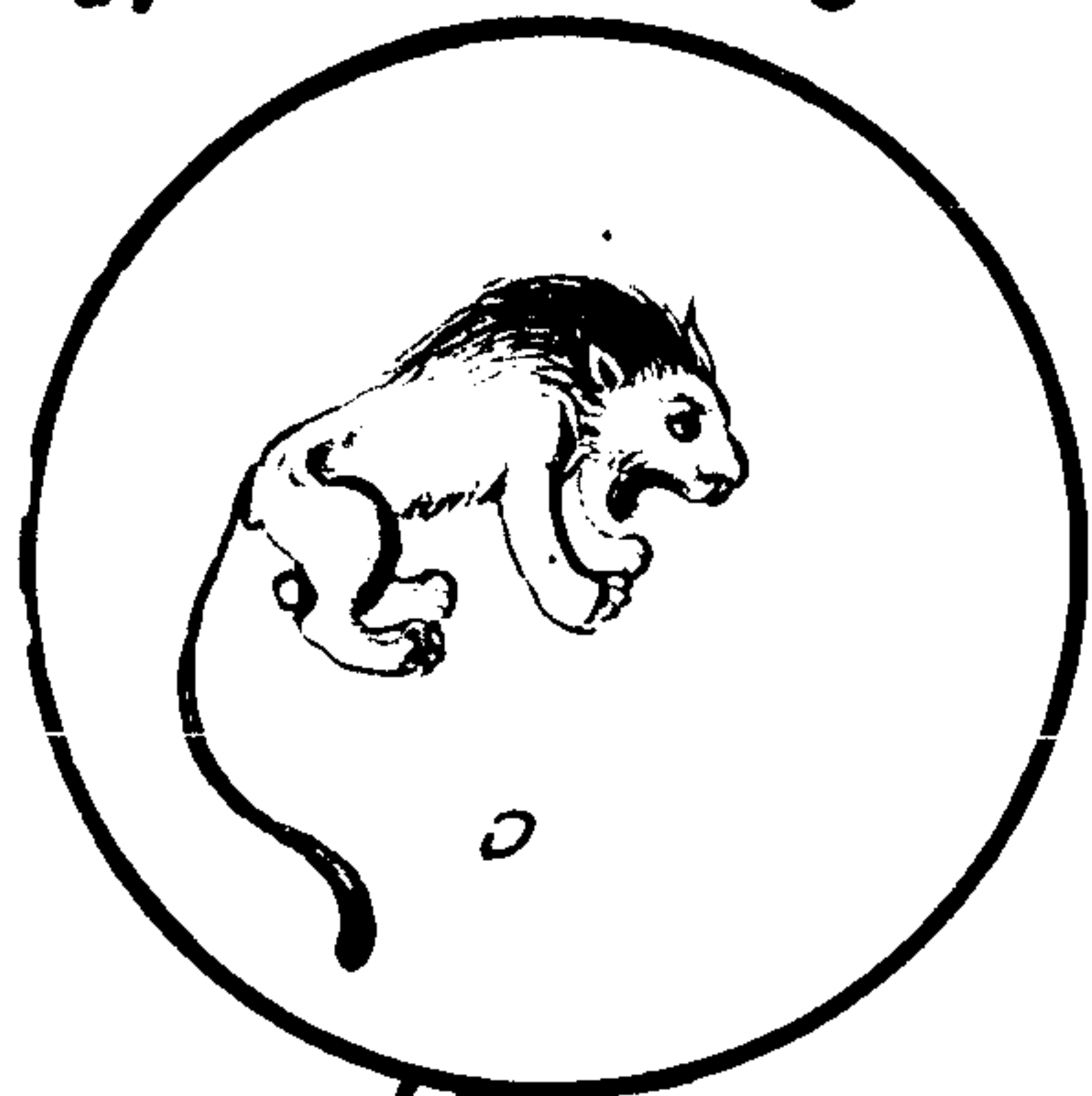
در میان این دو صورت دو عداوت و دشمنی و تمام کند  
 بدین <sup>بیت</sup> <sup>بیت</sup>  
 شکل



و اما زاء هندی و ان صورت هفت است اما خاصیت  
 او جهت او باب صلاح نیک است و قتی که مرغ در شرف <sup>بیت</sup>  
 و خالی باشد از بخوس بر اطلس سرخ کند با قدری رغو <sup>بیت</sup>  
 و هچیز خاصیت زاء هند که است که بر پوست ترنج بران <sup>بیت</sup>  
 که اوله گرفت بر عفر از و مشک و کلاب بنویسد <sup>بیت</sup>  
 که این دو تصویر مضامح یکدیگر باشد و خاصیت طلسم <sup>بیت</sup>  
 را باطل کند و دوستی عظیم حاصل شود و صورتش <sup>بیت</sup>

بر ان مالدو نوشتہ را چند در پیش نما مرند خاجتر  
روا شود و او را قبولی پیدا آید و پیش سلاطین و  
برزگان عزیز و محترم باشد و او را هیبتی و شوکتی  
پیدا آید و شکل

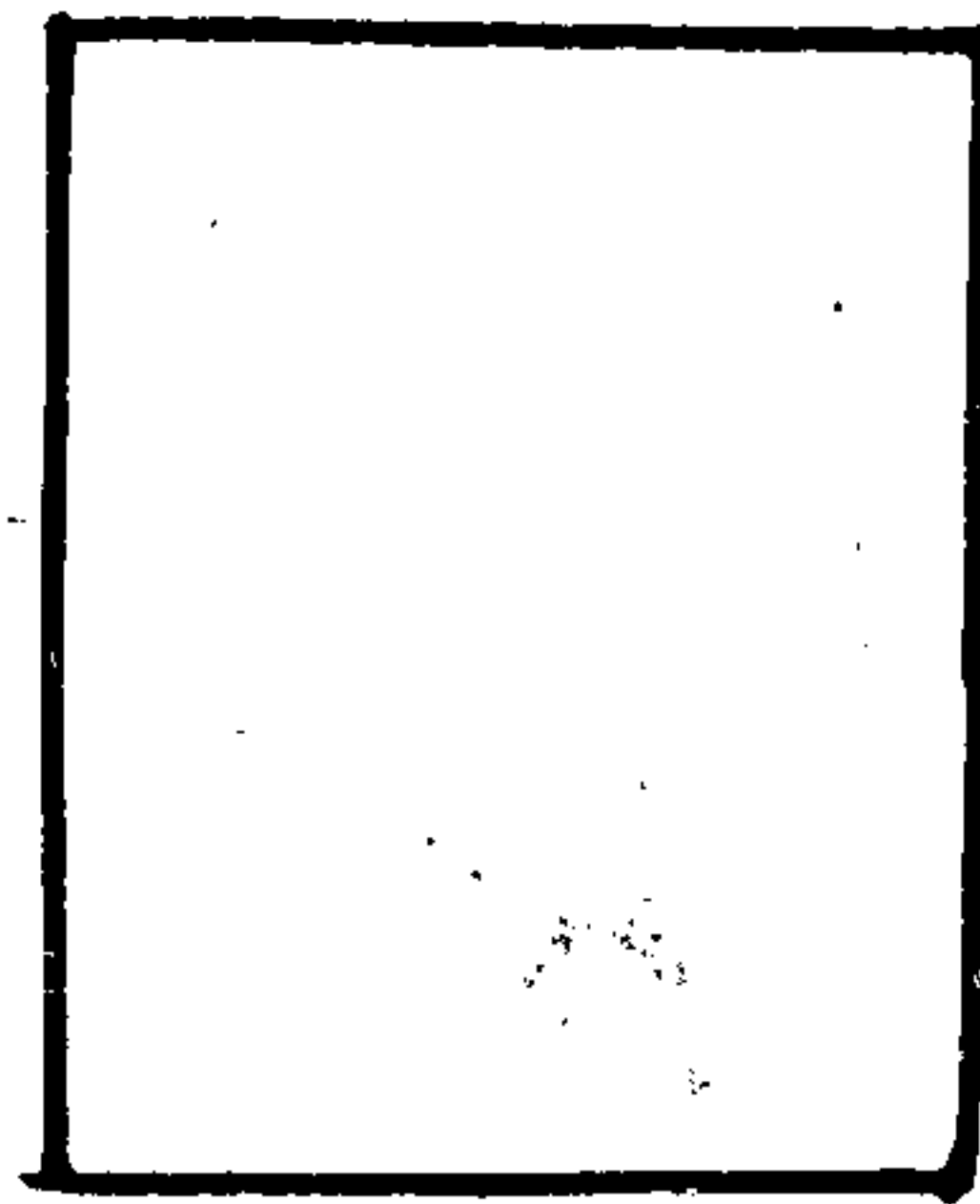
باین صورت  
۱۷۸



واقا حاء هندی و صورتش اینست اخصیت او  
است که رفع رنجوری کند چون بوقت نویسن  
کاغذ و بشوید و بیاشا مداز رنج پاک شود با  
الله و از خاصیت حاء هند است که بیشتر شرک  
داده شده است از برای نصرت و ظفر پر دشمن و



حکیم گوید چون حازا بنویسی بر کویا پاره  
که از کور کبر آن برداشته باشی نیز ده بار بنام آن کس که  
خواهی و ماد رشن خصم را رنجوری و سرفروتنجا صلوات  
بعد از سه روز و اگر تدارک آن نکند و بر این شکل است  
و از خاصیت حاء عربی که بسنا  
پوست و برانجا صورت شیر  
بکشد خفته و کرد به کرد او شست  
حاکم کشد و آنچه نویسد باید که  
بشد و نهضان و دروغ زنیق  
بر ان



نیل

و قوت فعلی دارد  
 او است که باطل کننده فال بد را و دفع کننده شر چشم و  
 رسیدن چشم و باطل کننده جادو و وقتیکه بنویسد بر کاسه  
 مس سرخ صورت آدمی که روی و روی مرغی پرند  
 بعد از آنکه صورت کشیده باشد و بر سر صورت دوازده  
 بکشد و بر دست راست دوازده طا و بر دست چپ دوازده  
 بدین دستور که نموده شده است و این صورت و خطای

باب بلاب نوشته شده باشد این شکل



بعد از آن اما باب چاه بنویسد  
 و آن ابراکرم کند و بخورد و  
 هر رنجی پاک شود و هم  
 بنویسد و از کودکی او بزرگوار  
 باشد و از حوائص طا هر یک یک بکشد

ان است که بنا نظر ماری کاغذ و صورت آدمی بر آن بکشد

بر

و برگردا و چهل و دو طا بنویسد و در سینه صورت بیت و  
 طا بنویسد این



شکل و باید که  
 باب بلاب  
 بنویسد که  
 انجا کذا خیر  
 سنبل العاق

و کلاب و درخت مریم و در دفع چشم از کودکان فائده عظیم دارد  
 و محافظ ایشان باشد از هرافتی و بدی و اگر این عمل در دکان  
 بخدمت کب و برکت آن دکان زیادت شود و هر که او را با  
 دارد انحصار معیشت او برسد بی تعب و انا طا هند که  
 صورت او اینست ۹ این صورت سود مند است را چون  
 بر هفت رقه و در هر رقه هفت طا و او را در دکان از  
 ملت خدا بعتلا خلاص دهد و شکل اینست

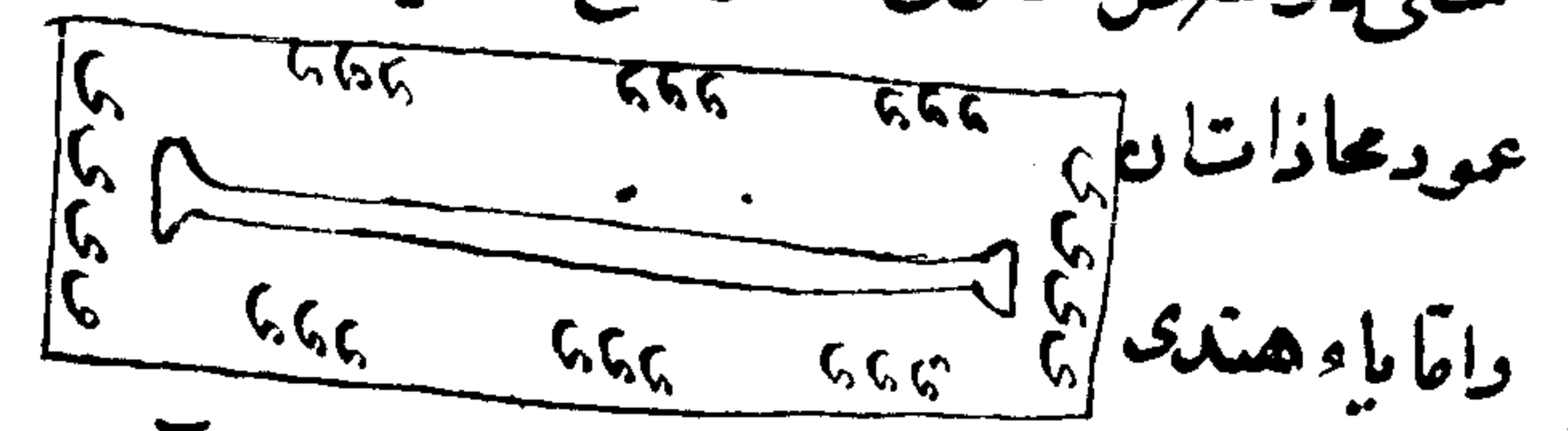
۹۹۹۹۹۹

۱ در هر رقم هفت نه بنویسند نه فلوت

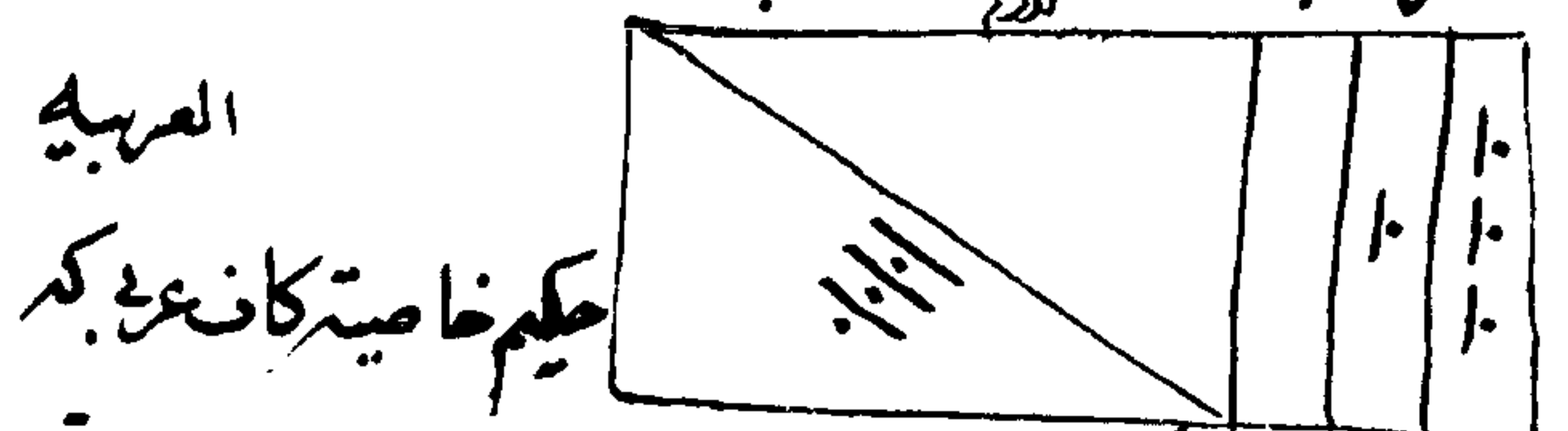
۹۹۹۹۹۹۹۹	۹۹۹۹۹۹۹۹	۹۹۹۹۹۹۹۹
۹۹۹۹۹۹۹۹	۹۹۹۹۹۹۹۹	۹۹۹۹۹۹۹۹

دیگر از خواص طاهندی است که این بنویس بر کاغذ سفید  
 با نیشال بیت و پنج رقم در هر رقم ظاهر که سفر کند  
 باشد یاد در خشک در حوز و سلامت باشد تا باز کرد و بخانه  
 خود و فائده یابد در آن تجارت و نیکوئی بسیار بوی سد  
 و از همه آنها سلامت باشد و هر که او را بیدار و اگر ای  
 و خدمت او کند  
 المریه حکیم کوید خانه  
 یا عریه است که بکیر پوست مار و بیت و نر یا خون کبوتر سفید  
 انجام نوبید و پوست را بسوزانند و قتی که قمر در سر طالع  
 باشد بنسبش متری و از آن خورد باید و از آن خاکستر سر  
 در چشم از چشم سفید ببرد اگر زهره آدی اضافه آن محل کند  
 اشخاص روحا نیز به بیند و اگر بنویسد آن بیت و نر یا در پوست  
 شتر بوشکل مربع بدین صورت و در میان آن هودی بکشد

در وسط مربع از هر طرف ده یا بکشد و شش یا در طرف  
 مثنی در سه محل مساوی در طول لوح و سر یا در دست راست

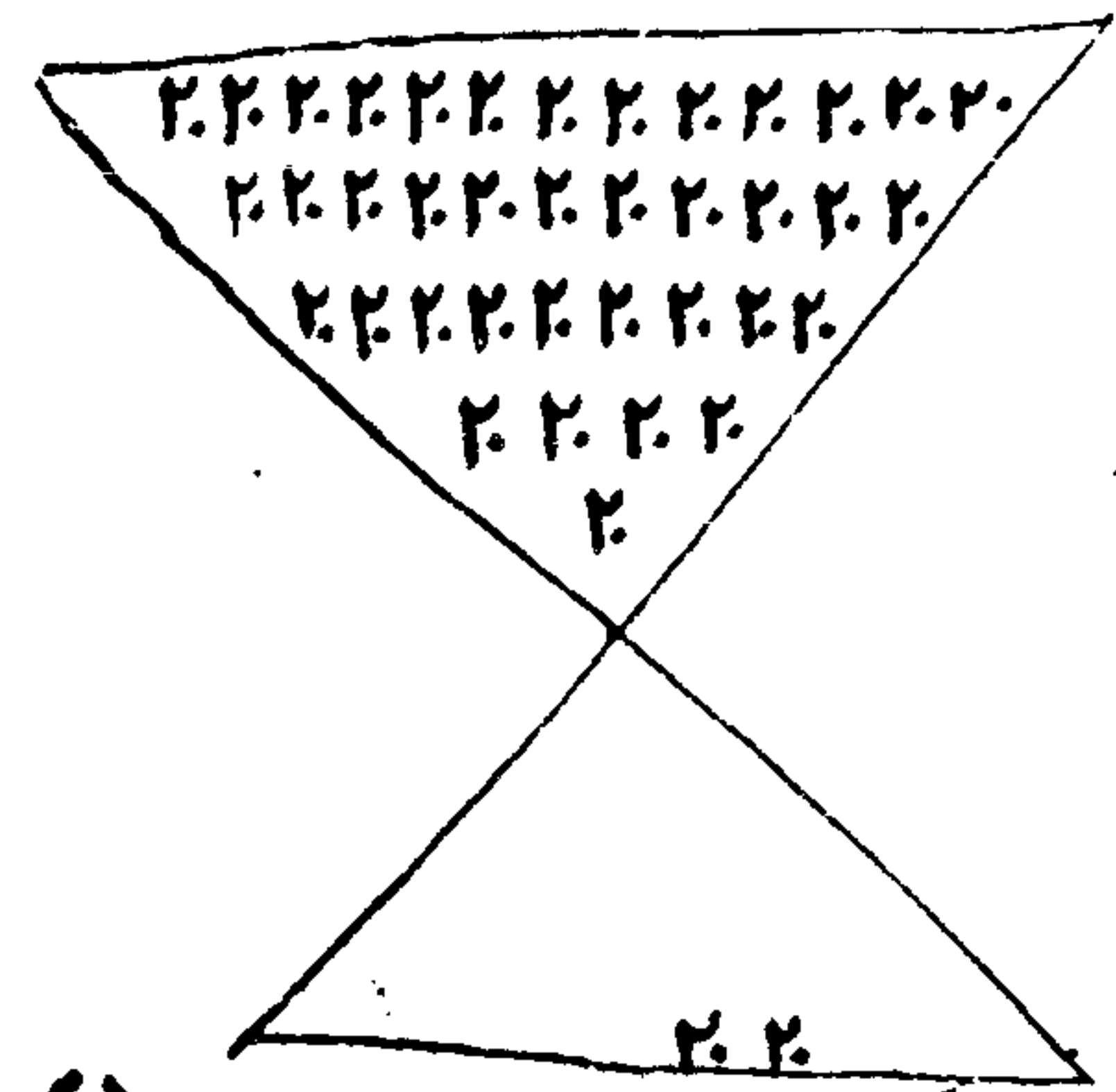
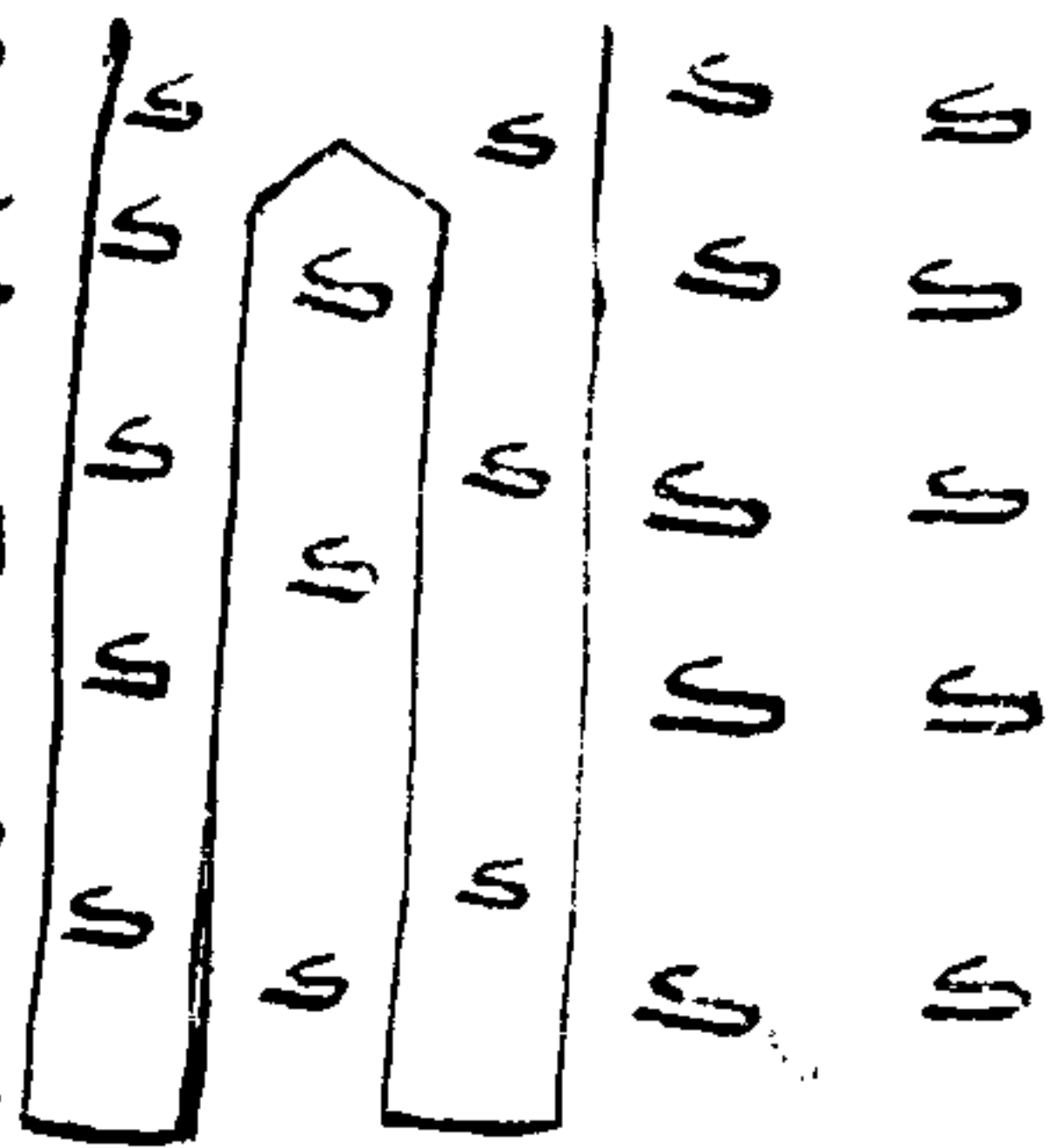


عود محاذاتان  
 واقایا هندی  
 که صورت آن اینست احکیم کوید خواص یا هندی است  
 که مربعی بکشد بر کف دست راست و قتی که قمر در ثور باشد  
 متصل بزهره چون این شکل را بکشد تمام آشنا و بیگانه مطیع  
 و فرمان بردار وی گردند بهر چه اشاره کند و صورتش اینست



المریه  
 حکیم خاصیت کاف عریه که  
 اخراج دقاین کند چون بنویسی لوحی از نقره یا بنویسی بر پوست  
 کرایس و بیا ویری و در کردن خورسوزرق افرق یعنی آنکه تا چشم  
 بدو نیمه باشد و خورسوزرا انجاما بسند مدفون انجاما باشد خواه سحر و  
 کجج برای این صورت که بعد ذکر شده است

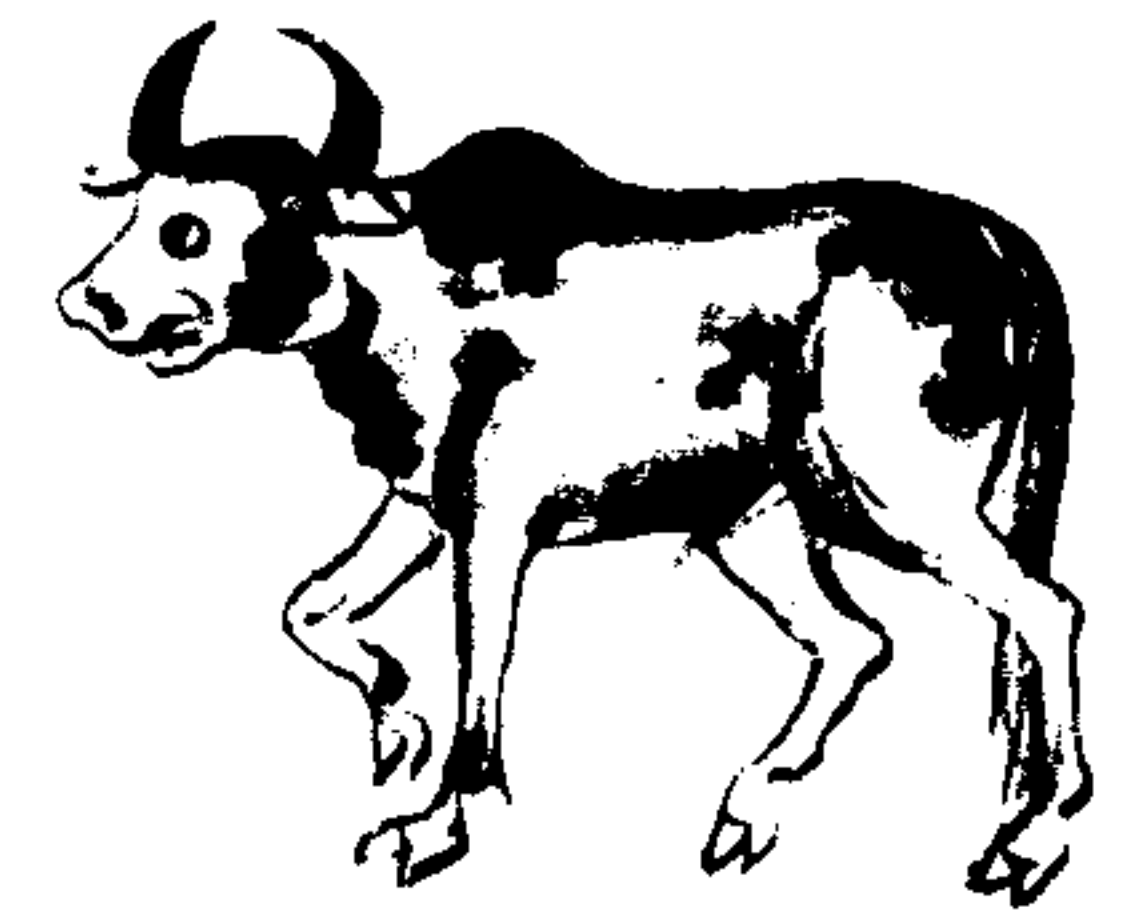
واما کاف هند که صورت او اینست ۲۰  
حکیم گوید خاصیت کاف هندی اینست هر که  
انرا چهل بار بر جام اگینه بنویسد بزهرمان و کلا  
و مسک و از اب سرد بروغن زنبق و روغن  
خورد را بان بمالد او را قبوله بدید آید و فو



روا کردد باین صورت  
العربیة  
حکیم گوید که لام عربی را خاصیت  
است که چون خواهی که کنی  
بیدی و دشمنی رساند

بنویس پیوسته حکم در باعث کرده باشد و صورت کاوی  
ان کاوی بر شکل خوشه باشد پس بنویس بنام انکس و ماد روشن  
خوبه باین پریشا خمر بنویس شصت لام بخورد کن بمقلد  
و بجاید که خمر مغروس باشد اخر قره را بان پوست بچد و همان کند

در خانه او بعد از آنکه نام برده باشد و آنچه میخواهد که بان شخصی  
واقع شود و صورتش اینست  
واما لام هندی و صورت او  
اینست ۳۰ حکیم گوید خاصیت  
لام هندی است که خاصیت



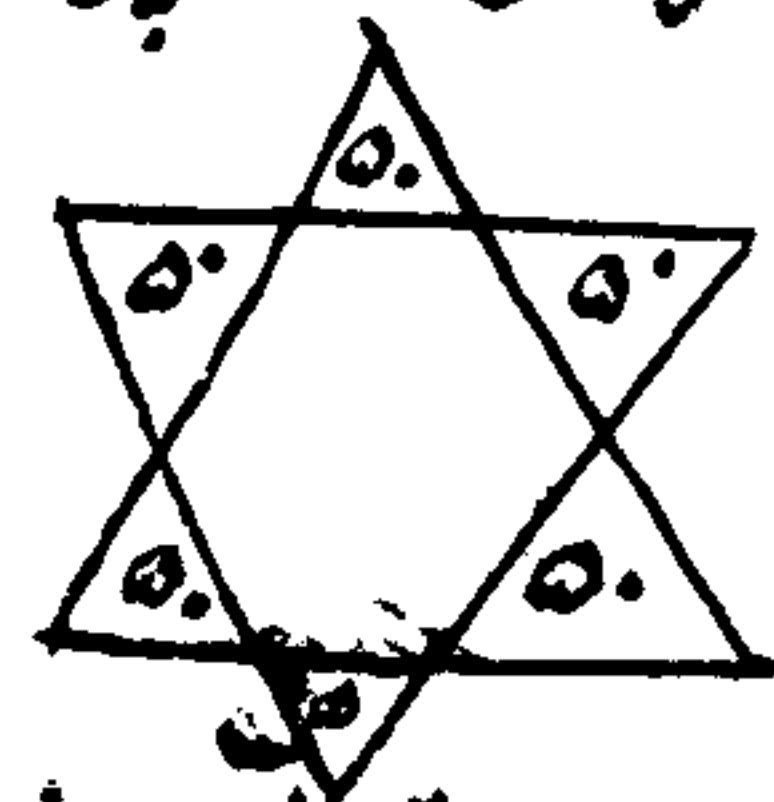
شکل او را باطل کند بنویسد بر هر چه خواهد این شکل را بنویسد  
پیش از آنکه آفتاب بر آید و بیاشامد ریخ و مضره که از شکل  
ماورسید منفع گردد  
العربیة حکیم گوید  
خاصیت میم عربی است که شکلی مدور بکشد و در میان او صوت  
زنی بکشد که طفل بر کنار دارد و مربع نشسته و نزدیک آن  
اول دایره بکشد بمقدار دایره اول چون این خورق را در زنی بکشد  
باید در جامه او دوزد فرزند او بمیرد و اگر حامله باشد بچراش  
او بیفتد و اگر شکل اول و دوم را بنویسد و بر درختی معلوم  
میوه اندرخت بیفتد و شکل مذکور اینست

نیل

واقا نون هشت  
وان صورت  
بجاه است  
شکل ه چون  
بنوید این نون

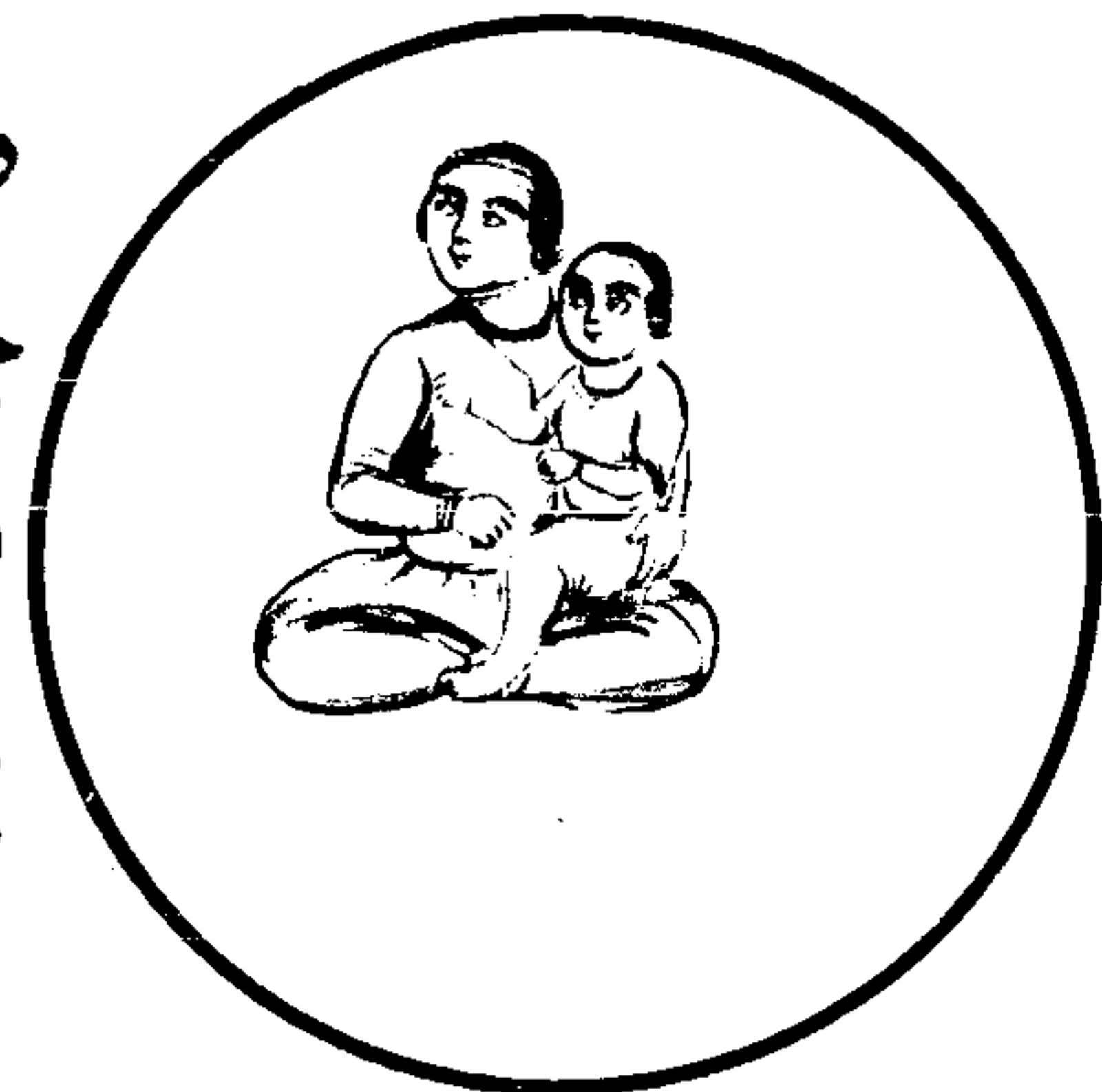


هندی داهفت بار از لوی از نقره و قره راسد باشد با بقا  
مشرقی ثلث یا تدین او همان خاصیت نون عربی دارد  
و اگر نقش کند نون هندی بر پاره از نقره که انجا خاتم سلیمان باشد  
در هر ناو میرانان یک نون و در اکثری تعبیه کند هر از ابر  
انگشت خواسته بسیار از مردم حاصل و او را از مردمان  
خطی عظیم باشد و بیاید از مردم هزار خواهد و چون طلب



اجا تر کند و شکل اینست  
العربی حکیم

که سیر عربی خاصیت عظیم در چون بنوید برق او بخون هلد

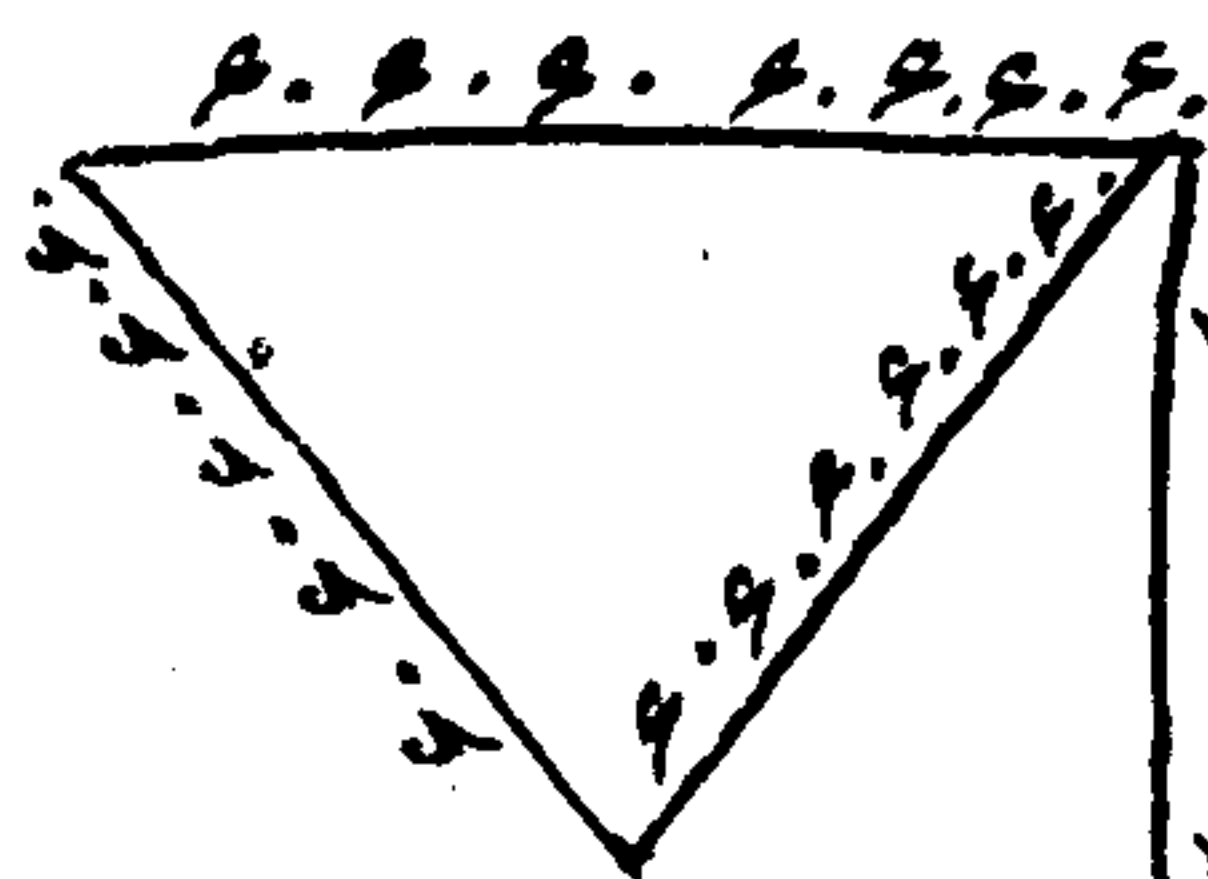


واقا یم هشت و آن صورت  
چهل است با بنی شکل ه  
هر که اینیم هندی را چهل  
برجای نوید مشک و  
وزعفران پس محو کند بر  
زنبق پس بر دار دانه زنی بدیم سک پیش از جماع این کرد بعد از  
جماع با نون اللهم  
نون عربی انکه در دوستی و میل و لاری تمام دارد بگرد  
پوست او و بکشد بر انجا صورتی مانند اشتر و سرا و چون  
و بر پشت آن صورتی آدمی که رویا حیز در دست دارد می بود  
و بنوید در شکم آن شتر نام انکه او خواهد و دوستی او نام  
خود را در شکم صورت آدمی بنوید و این را بر خود او برود تا انجا  
ببند و کرد این صورت شصت نون بنوید و صورت

اینست

واقا

نمال



و باید که این کتابت بدین شکل  
 باید و او بیت پنج سینت  
 هندی و اگر اضافه کنی این شکل  
 پنج ظا چنانکه میان مثلث باشد  
 و شش طایف دیگر در زاویه که بود

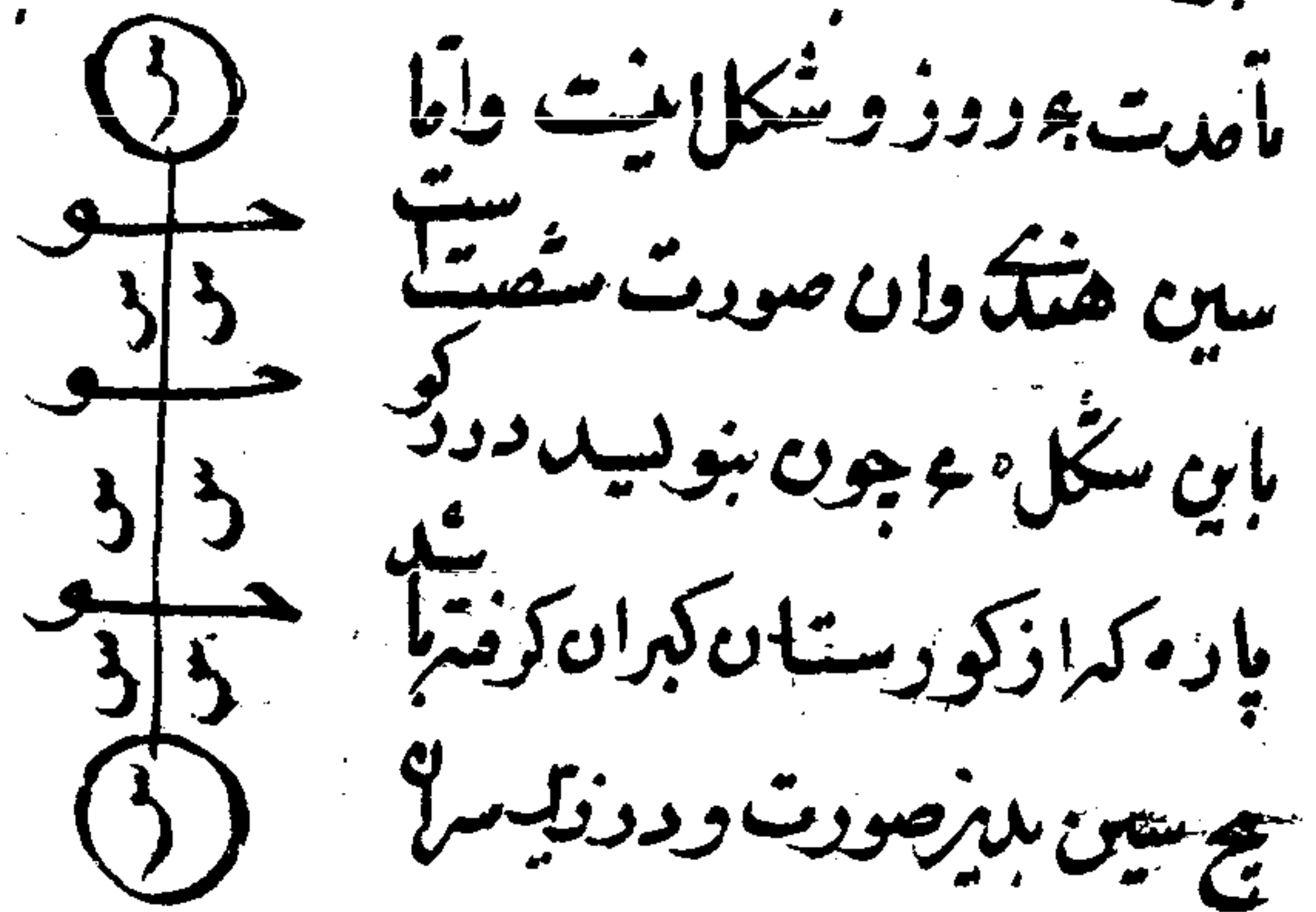
زاویه مثلث است بدین شکل نیز در باشد و در هیچ وجهی و  
 زحمتی بوی نرسد و پوسته بسلاصت باشد

حکیم گوید که چیز بولینی ۴ عین در شکل مربع مستطیل که  
 در آن مربع ۳ خانه باشد و در هر خانه عینیت کند و در  
 محل ورود و خروج و متصل باشد با اتصال غیر پندیده و در  
 پاره که از منزل بر داشته باشد و بعد از آن رفتن کند در جانی که

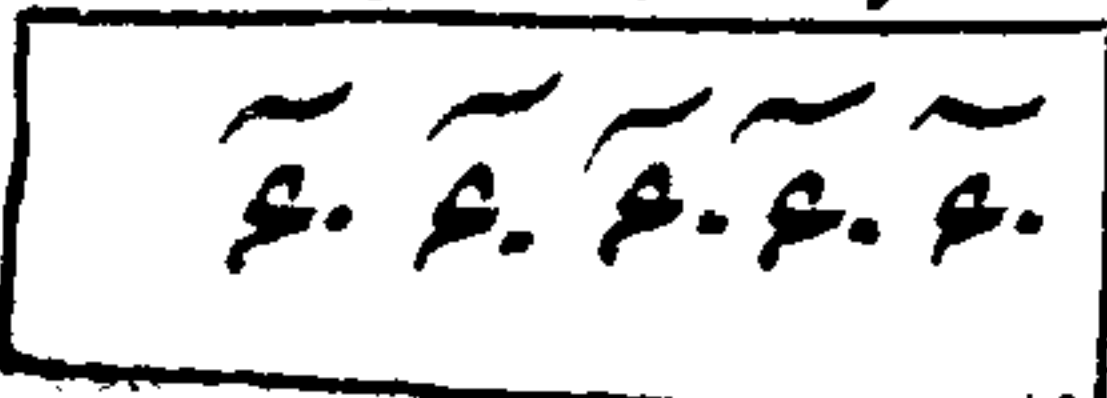
ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع

رفتن

و بجز رکن بسند روس و بر سین زنی بند که نام باشد  
 خبر و هد از هر چه در دل داشته باشد و از هر چه کرده



خفته که خواهد بیدار نشود و مادام که این خفته در زیر خفته

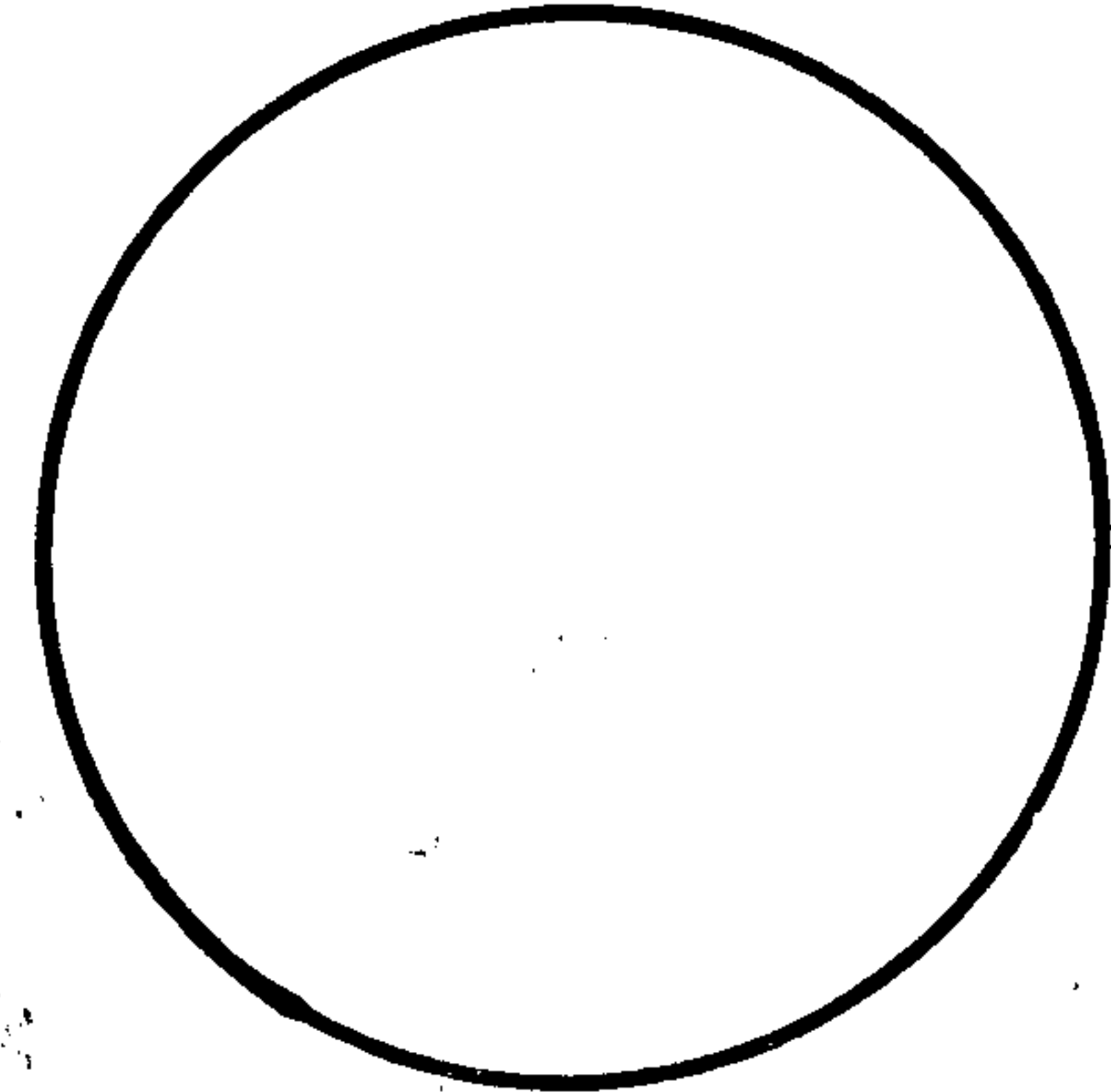


لخی و صورت سین هندی این  
 شکل است و دیگر از خاصیت سیزه هند که چیز حکیم گوید که  
 بنویسد چنانکه مذکور است بسند این هر چه عمل کند و آنچه  
 باید که این کتابت بر باب برک بویج باشد خون کبوتر صحرای و مقدار  
 نیم دانگ مشک حل کرده در باغچه بر هر که این شکل را یکماه بیاورد  
 خوابش نبرد تا و قیامه این شکل از او دور شود و باید که کتابت

باید

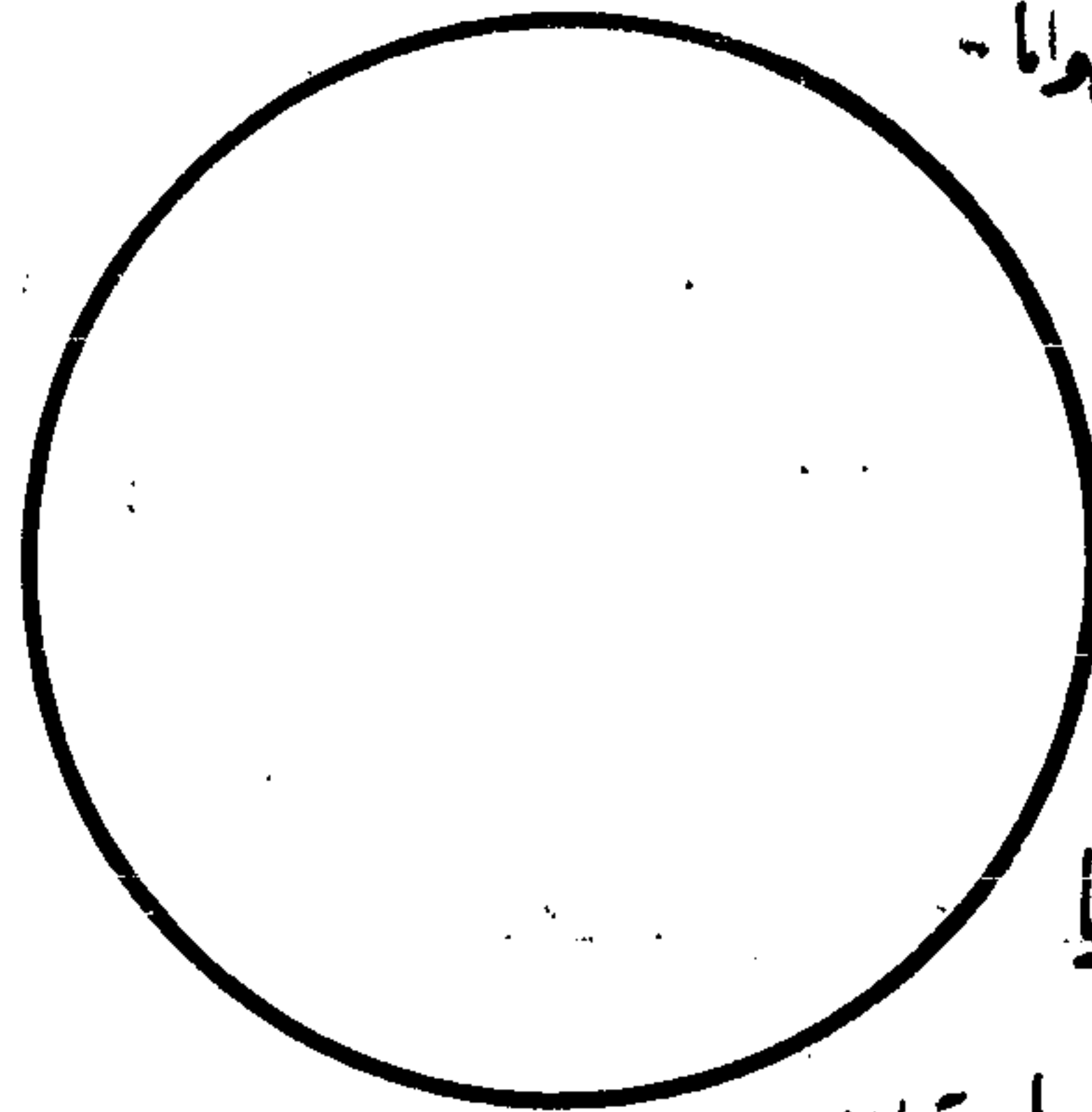


که خواهی خراب شود بعد از چهل روز و شکلش انت و در  
 این عرق شکر عجب است و چون بنویسی بر اینکه ذکر رفت  
 بر پوست خار پست و در آسیای سنک از اینا نکند و اگر  
 زیر درختی بار بیاورد و نگیرد و هم چیز از خاصیت عین  
 است که هر که بنویسد از عین با بر بار و از روغوانه فرنگی  
 و زعفران و مشک نیم سراط آمیخته صد درم آب بر کمر جان و  
 آنس دهد که او را درد دل و غم و اندوه و وسوسه باشد و  
 بی در پی از او زایل شود و این شکل هفتاد هزار است در دره



وسط حایره آب  
 شکل و اگر خام کنی  
 در میان سطرها  
 که در میان دا  
 است می جاود  
 میان طعام و شراب

کوی خاصیت او ضد هاست شکل اول است  
 بدین صورت و اینست شکل و اما

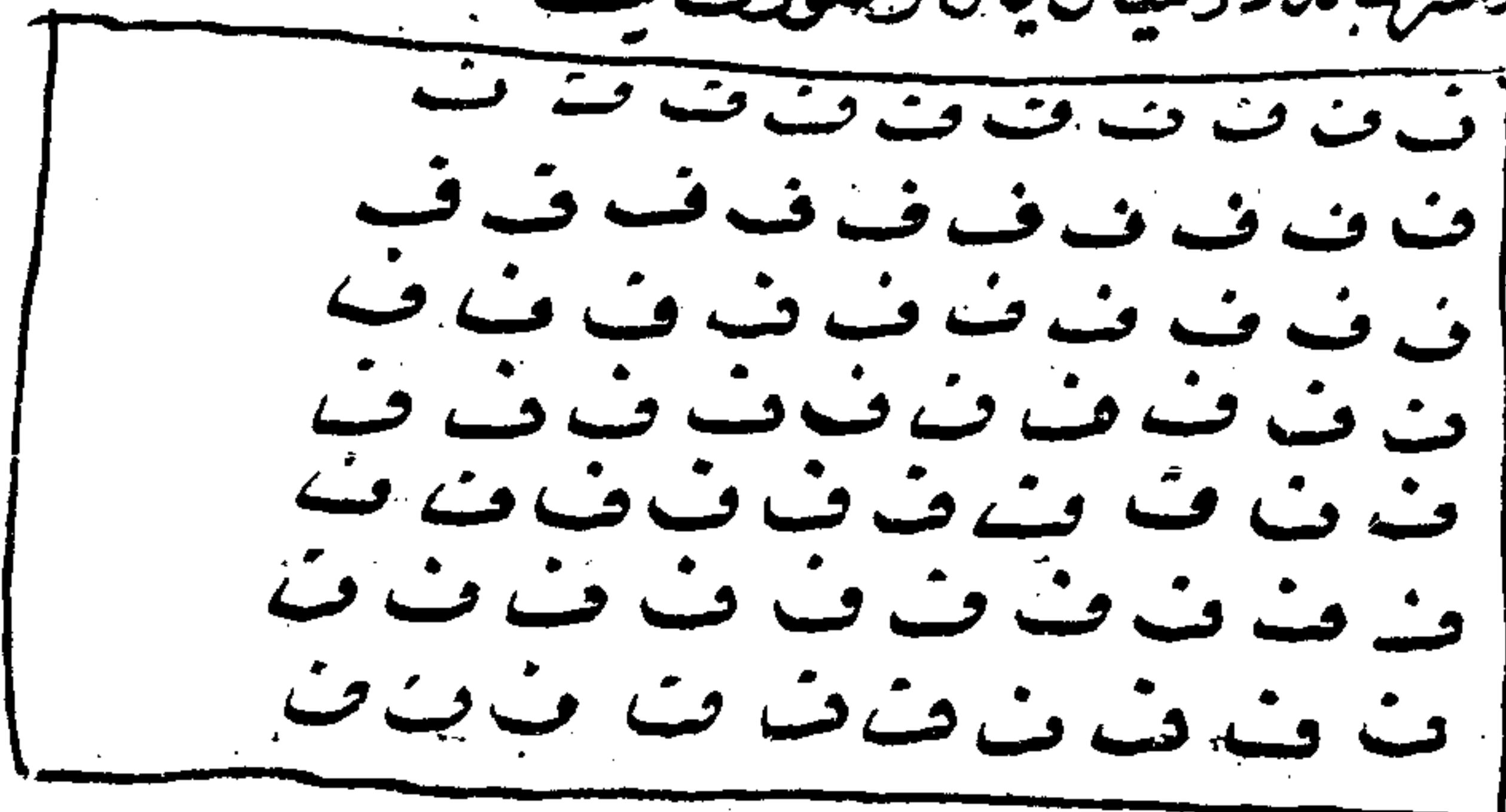


عین هندی و ان  
 صورت هفتاد است  
 بر این شکل ۱۲ چون  
 بنویس با ب بر کلو بیا

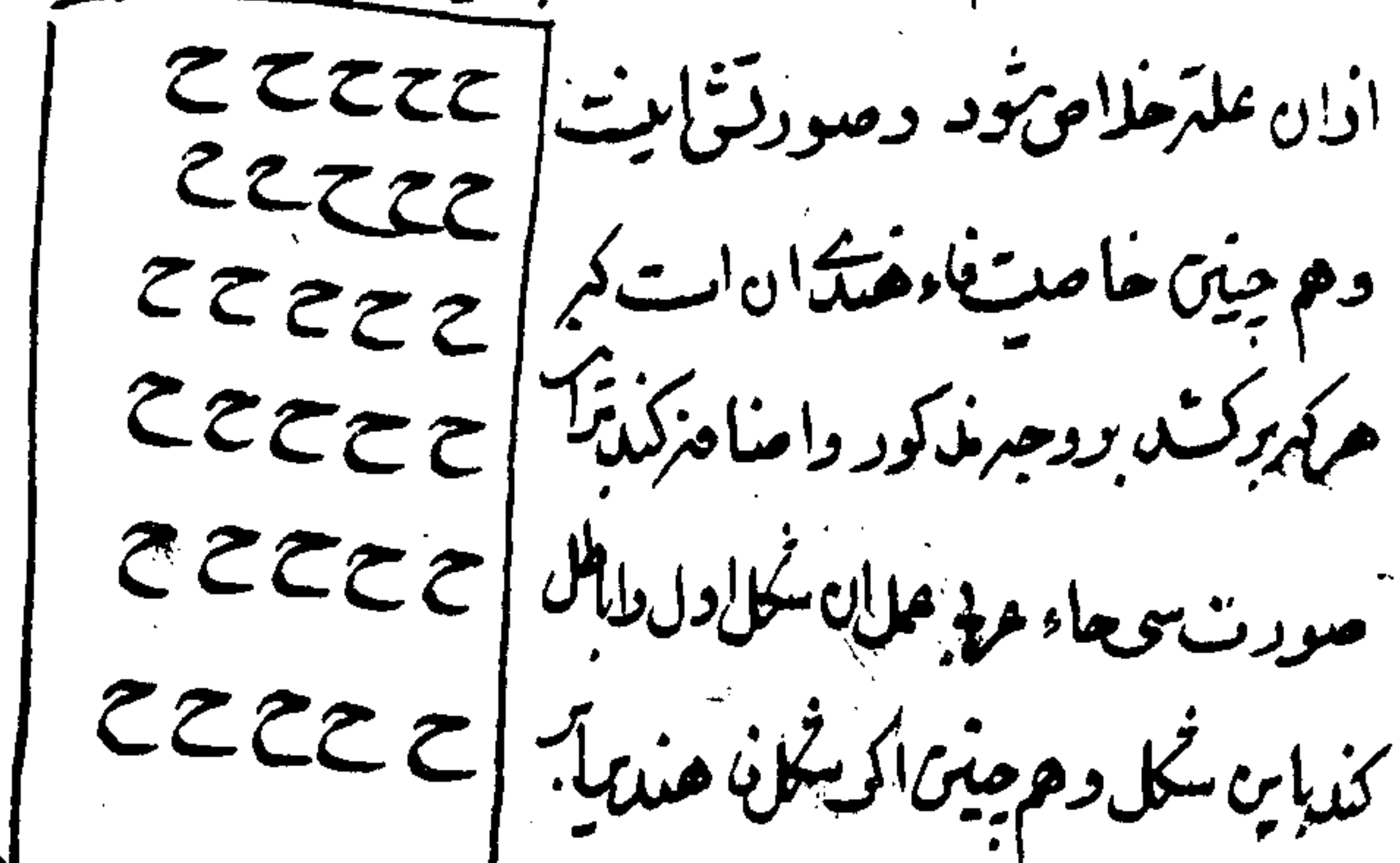
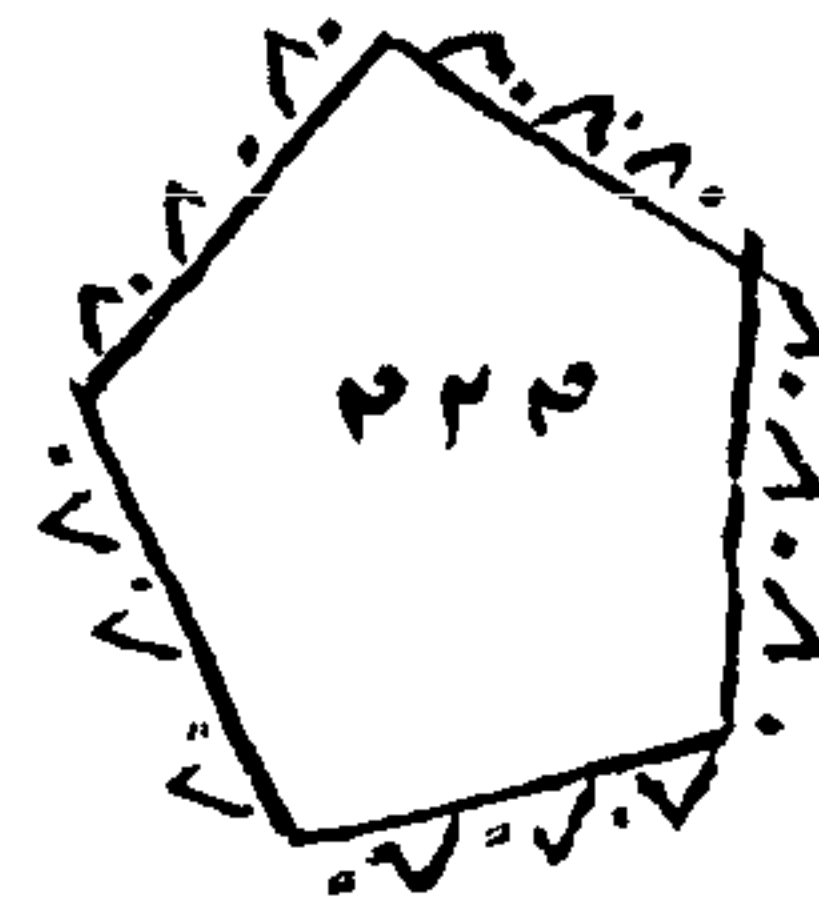
و بخور از هر که خواهی خاصیت ان

ضد مذکور باشد  
 العربیه حکیم گوید خاصیت فاع  
 السكر دفع ترس کند و چنگه در شراب بجا دارد بنویسد بر کوزه زرد  
 هشتاد بار پس بنویسد شراب کهنه و بخور ان کس دهد که این علت  
 درد و زانان علت خلاص شود و هم چیز از خواص فاع عربی ان  
 که هر کس بنویسد فاع عربی و هشتاد بار با ب بر کلو بیا  
 و ان کوره را که در انجانان پزند و بنویسد از ابایی که از حام بر آید  
 و بنفشاند بر خانه خصم میان ان خانه شش و خصوصاً افتد و ان قسم

وشرمانند در میان ایشان و صورت اینست



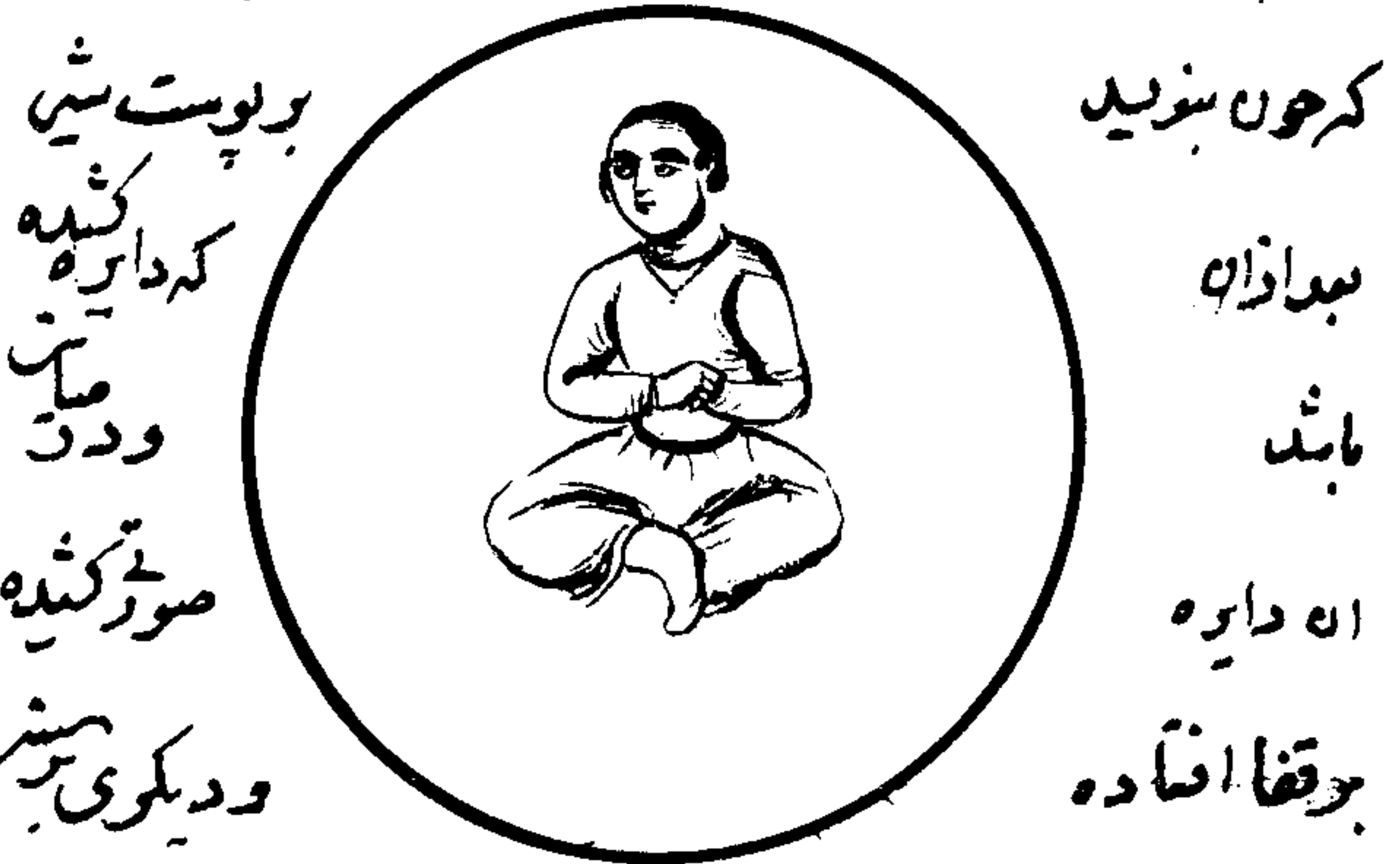
فاهندی خاصیت آن است که که در شب بسیار میخورد  
چون بنویسد او را بر شکل محض و در هر ضلعی هم فایر کند بر پوست مرغ  
و میان آن شکل نام آنکس و مادر آنکس بنویسد و این شکل را بخورد



از آن علمه خلاص شود و صورتش اینست  
و هم چنین خاصیت فاهندی آن است که  
هر که بر کند بر وجه مذکور و اضافه کند ترا  
صورت سی‌هاء عربی همان شکل اول را باطل  
کند این شکل و هم چنین اگر شکل فاهندی را  
صورت مذکوره بنویسد بر جام زرین و نوسه را بکباب و در عقربان

و بیایرز

و بیایرز باب خوش و بخوراند صاحب و عشره اذان علمه خلاص  
یابد  
العربیه حکیم گوید خاصیت صاد و علمه آن است  
که ستانده اب چاه و حل که در آن صندوق سرخ و صورت آنکه که در  
برکتی بر کاغذ سفید پاکیزه و کوردا کرد صورت هفده صاد بنویسد  
و بیت و دو دال بنویسد و بیج جم بنویسد و این صورت را خا صفتی  
که مثل و دق و خفقان و قلیج را دفع کند با خوردن گاه دارد بدین  
و هم چنین خاصیت صاد عربی آن است



که چون بنویسد  
بعد اذان  
باشد  
ان دایره  
بوقفا افتاده  
ان ششتر تا او را بکشد و بیرون دایره هفتاد صاد بنویسد بر  
بر شکل که مذکور میشود و در آن کند در بازار و قصابان و بنویسد نام آن

بر پوست شیری  
که دایره کشیده  
و در آن  
صورت کشیده  
و دیگری بر

انکس و ما و روش را در میان دازه از خاصیت این صاد عربی  
چنان افضا کند که آن شخص بمیرد اینست

و اما صاد هند  
و ان صوت نود  
باین شکل ۹ هر که  
بنویسد صد هند  
بر برك حنظل  
گیرد و با آن عمل کرده



باشند و ان برك را حنك کند و نرم باید در میان هر قوی که  
انرا بیفشد میان ایشان دشمنی و خصومت و تفرقه افتد و فرام  
نیاید  
العصه بتر حکیم گوید که از خاصیت قاف عا  
ان است که بکیرد پوست بستر و بکشد در آن سرد می و سر شیری و  
کر بر و سر بستی و بعد از آن بنویسد بر هر سری شش قاف بر این  
بر این شکل

و این شکل	ق ق ق ق ق ق ق ق	ق ق ق ق ق ق ق ق
و قی بکند		
که شعری		
طلوع کند		
بعد از آن	ق ق ق ق ق ق ق ق	ق ق ق ق ق ق ق ق
پوست را		

بنویسد هر که از آن پوست سوخته مقدار نیم درم بدهند لال شود  
و باید این کتابت بخون آدمی باشد که اسد طالع و هم چیز حکیم گوید که  
خاصیت قاف عربی دیگران است که بکیرد پوست اهو و صورت عا

بال کثوده چنانکه سر او سر شتر باشد و بر زیر آن می و سر قاف بر کشد

قاف و پیش او در  
قاف و پیش دم با  
الف بنویسد این  
شکل و در تبار



بر زیر آن بیفت و نه

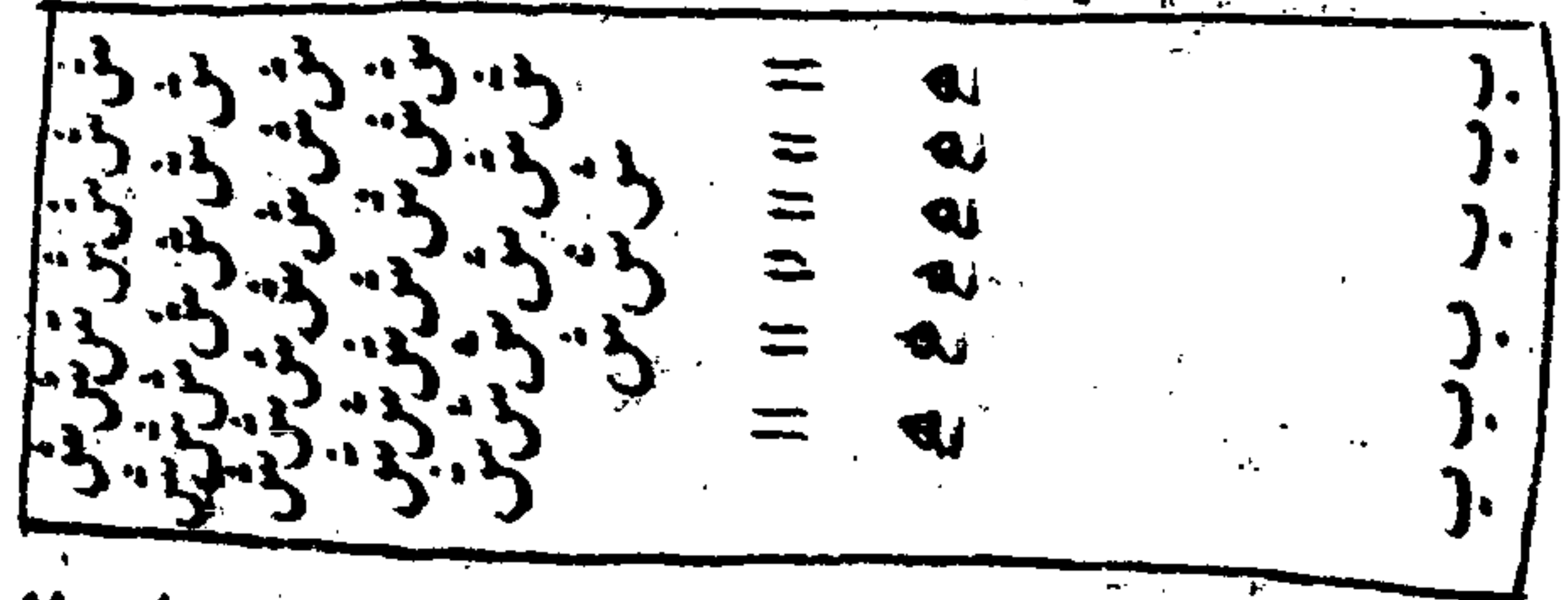
نوشد که درون او زار و غم داده باشد و این حروف واسکارا بکلا  
 که در اینجا رخصان خالص حل کرده باشند بر کشتی محبتی از او در دل نما  
 پدید آید و مقبول گردد و پیش از آنکه او سلاطین و هر که سفر کند و این شکل  
 با او باشد از همه آفتی ایمن باشد در بر و بحر و اما قاف هندی را  
 خاصیت آنست و آن بدین صورت است . . . اگر کسی در دریا  
 یا در صحرا باشد و با غلبه کند و او خواهد ساکن شود بنویسد قاف  
 هندی را بعد بر بار دانی و او را بشوید و بعضی از آن را در دریا آفتاب  
 و بعضی را در باد آفتاب ساکن شود مادن الله و هم چنین خاصیت  
 شکل اول را باطل کند چون بنویسد شک و رخصان در جام الکینه و بشوید  
 باب روان و بیاشامد باب نیم گرم  
 که از خواص را عریان است که چون خواهی کوی یا مصرف سازی بوی  
 بر پاره نعل کهنه بر مثلث غیره تا وی از ضلع صد را و بنویس در  
 نام مادرش  
 جلوت و دهن



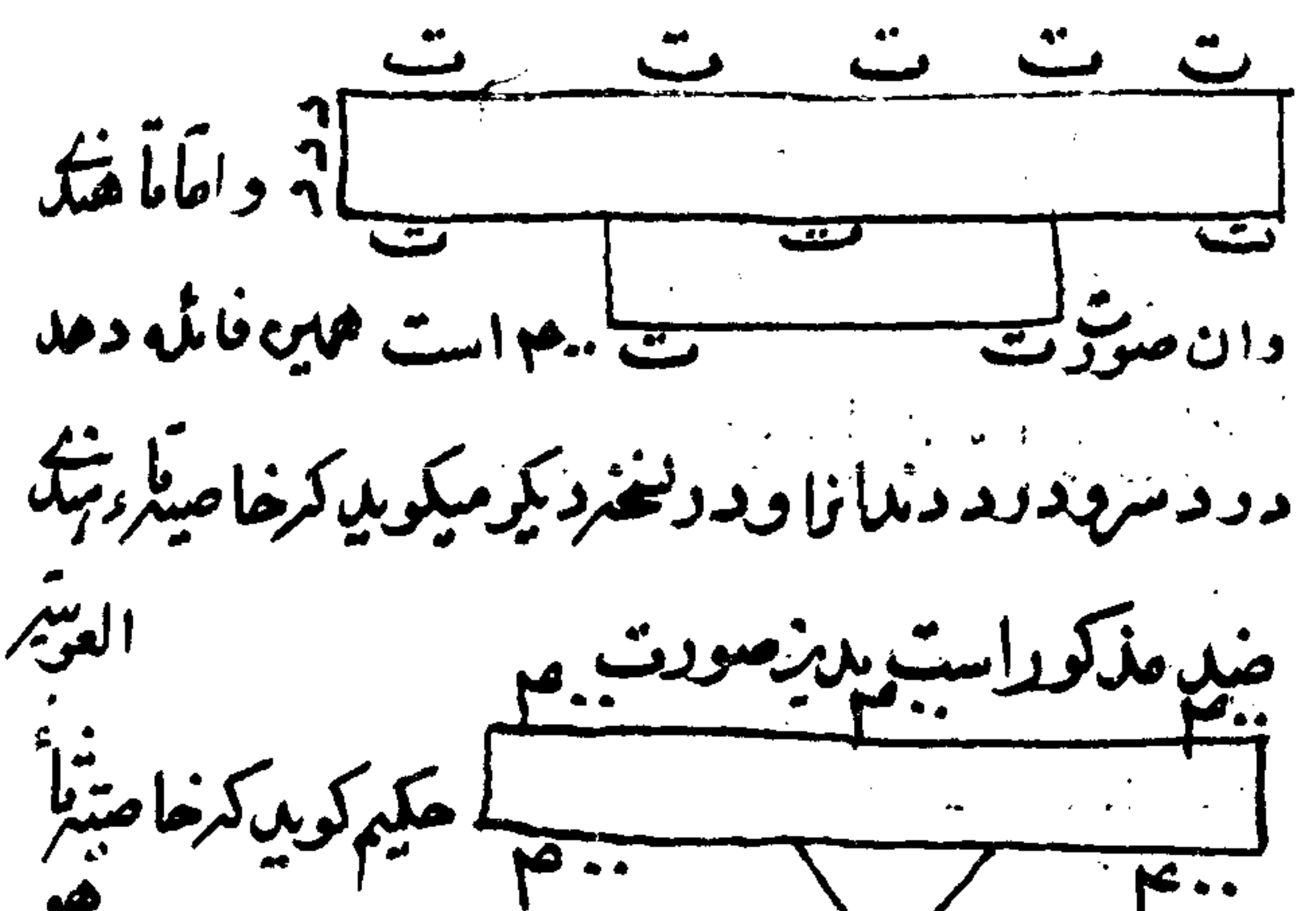
کن

کن در زیر چوب کا از آن که جامه بر آن کوبند آنکس که نام او نوشته است  
 بر آن او را صرع و صداع شود و هم چیز از خواص را آنست که هر که ببرد  
 چوبه از کورستان که بر آن نقش کند بر آن چوب صد و پیش کورستان  
 که کهنه باشد که هر چه کس انجامد و خالی باشد و بر آنجا بنویسد نام هر  
 خواهد و ماد را و بگوید بکشد باین شخص از این با چوبه که خواهد  
 از پنج ماه پس بدو نرسد روز عجیب تمام بفرمان اقدم و اقرار  
 هندی و صورت آن ۲۰۰ سوسه بر جامی الکینه بکلاب و  
 و کافور ۳ را و دوازده طاووشوید و بخورد بیمار دهد بعد از آن  
 که او را کرسه داشته باشد بدوشاب نکوری ۳ روز و بخورد و آنل کند  
 و سحر را باطل کند و هر رنجها باز دارد  
 حکیم گوید که چون بنویسد بر کاغذی ۲۳ شین و قره در جلد باشد  
 بر اتصال نخوس از مرغ و نام آن کس و مادرش در آنجا بنویسد  
 تا روزه سرخ بچکان کند هم بر او مهر باز نماند و بروی بچکاند  
 تا وقتیکه آن کاغذ را از آن قاروره بیرون آورد و هم چیز از خاصیت

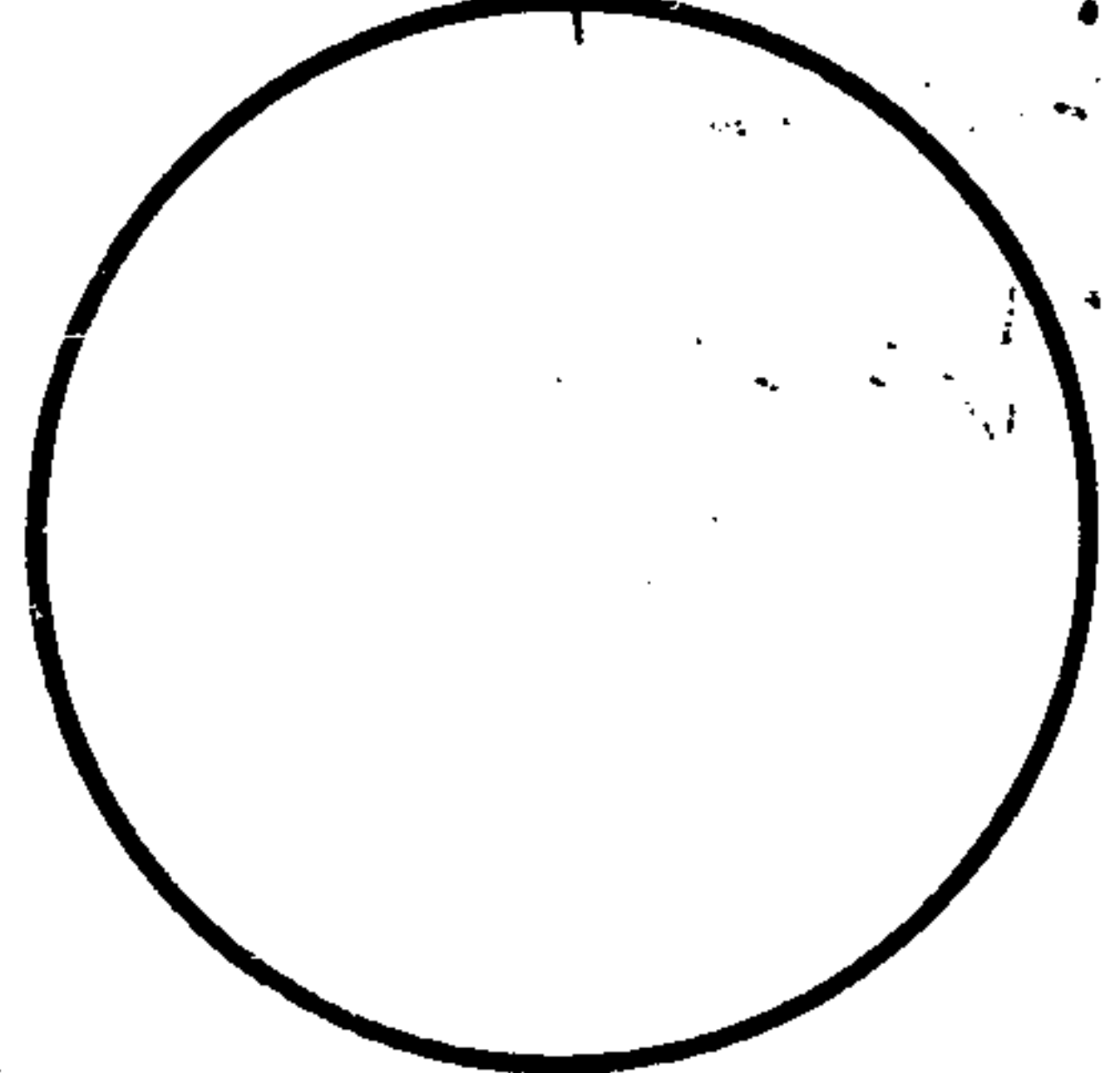
شیر عربی است که بستاند پوست او بیا که غذا سفید و بنویسد  
سوی و شش شیز و دوازده الف و عها و ع با بمشک و زرد  
و کلاب که در آنجا جوز الطیب حل کرده باشند و با بیضورت  
ند



مقبول سلطان گردد و امر او وزرا و کرد نکشان و اما شیر هند  
که صورتان اینست ۳۰۰ اگر بنویسند این شکل در جام الکبیر  
و بروغز بنویسند و از آن دو غرور میان بیاید اما اگر بخاطر دینی  
از آنجا در خانه خواهد اجابت کند و هر غرضی که در آن بران بر روی  
حاصل و سخن چیز که باشد از تو بگردانم  
الطبریه حکیم گوید که هر که را در دست راستش شکل بنویسد بر کاغذ  
و بیاویزد و با آنجا که در دست میگذرد ساکن شود و بر دندان  
نیز این شکل عظیم فائده دارد

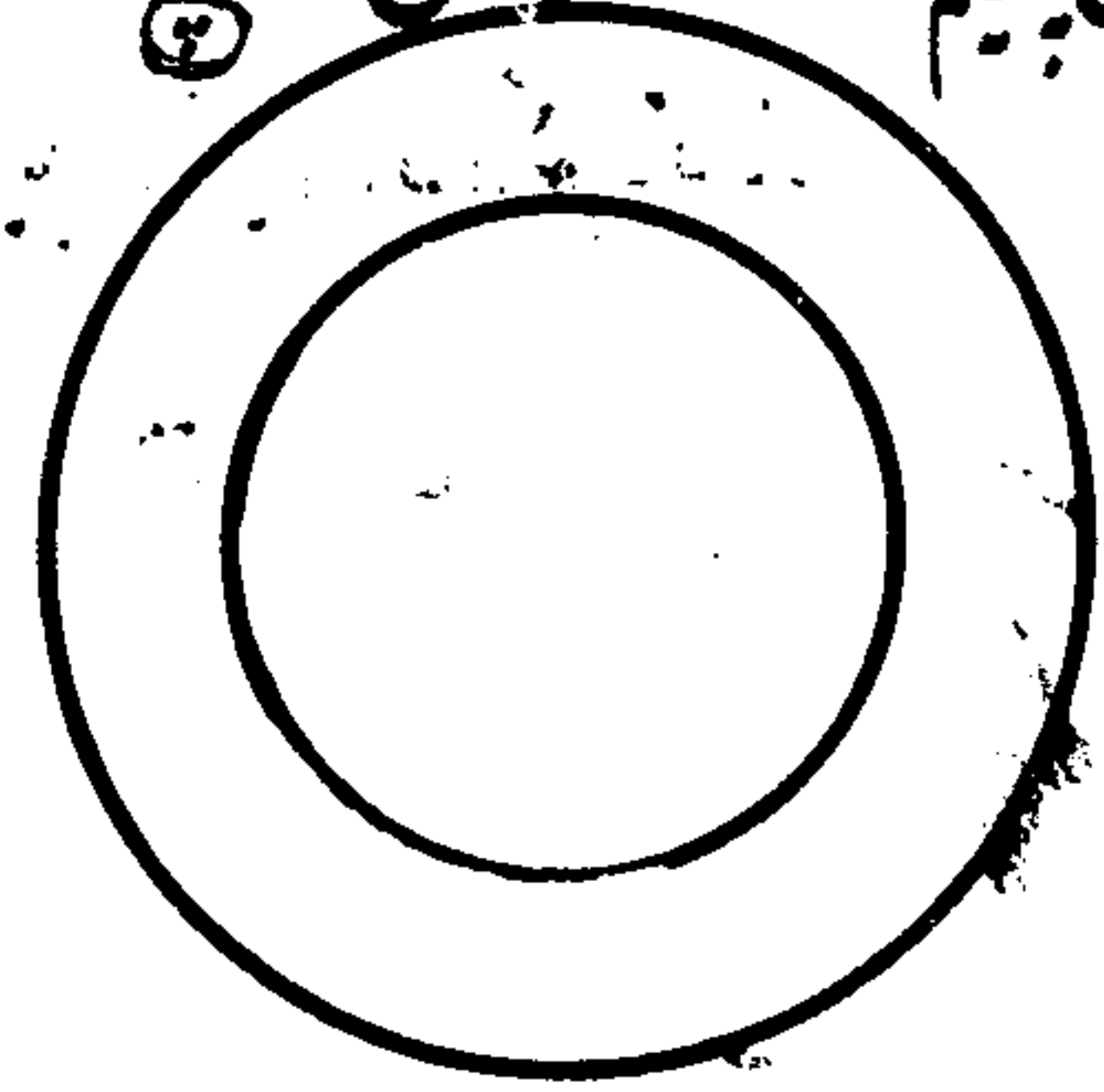


وان صورت  
درد سرد درد دندانها و در نخر دیگر میگوید که خاصیت آن  
ضد مذکور است بدین صورت  
حکیم گوید که خاصیت آن  
خاصیت عجیب دارد و کردار او بسیار است پستان پوست  
و دانه بران بگشاید و صدتا در آنجا بنویسند جدا جدا از آن  
و بیرون دانه و در میان دانه بکشند و چهل غنچه بر آن  
عمود کشند و جانب عمود بدین شکل دفع چشم بد کند و در  
سخت و تبهای متنوع را باز دارد و ختم بد بر حاملان کار کند



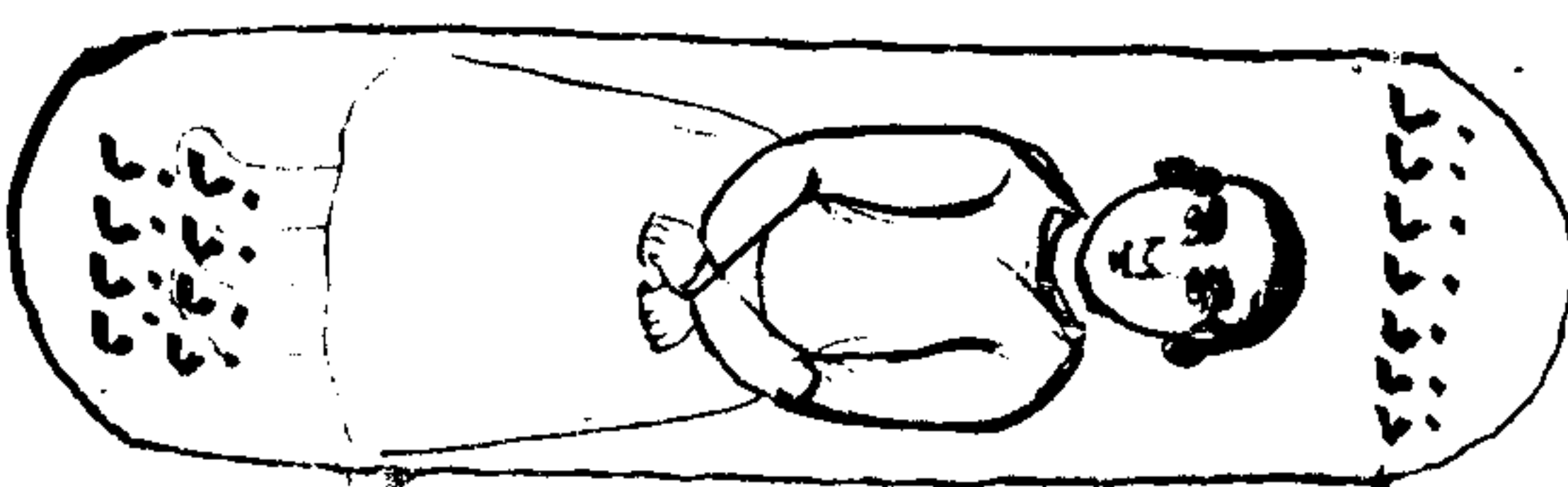
و کاروی که بسته باشد  
بکشاید و در کسب و  
بکشاید و مردی را که زبانه  
بسته باشد بکشاید اگر

این شکل از حرفان غزافه و مشک بنی و کلاب خوشبو نرید  
 و این دایره را به بجد و در موم غروسی کیرد و اگر صافتر کند  
 باین شکل ۳ و اگر جانب خود و ۳ از جانب دیگر داخل دایره  
 و الف و با این دایره الف هندی چهار قفل بکند و سلاطین و  
 بزرگان و گردنشان و حاملان را از هم حوزت این باشد و از دایره  
 و دشمنان و اطاناء هندی بین صورت و دایره است این شکل  
 چنانکه در ثناء عرب ذکر است در دفع جنات و در نماز غایت تمام  
 الهندی و آن صورت ششصد است با بی صورت  
 خاصیت و است که چون دایره بکشی کرده اگر دایره  
 ثبت کنی پنجم هندی عو ضحا و بی الف و در نماز هندی  
 شکل و از اشرف



بهر و قیر کلاب  
 و مثقال مصطک  
 و سه مثقال تخم  
 در برت

و شربت کنی بشمار سبب معده دهد و عظم و معاونت کند و  
 اخلاط ردی دفع و بران شربه سه روز مواظبت کند و پرهیز  
 کند از هر چه پرهیز کرده باشد فایده دهد  
 العربیه حکیم گوید خاصیت حرف ذال است که چون خواهی که  
 بت بر کسی مسلط شود بکیر پاره پوست هفتک و صورت  
 شخصی که تو خواهی و بر آنجا بنکاری و نام او و مادرش بر آنجا  
 نویسی و هفت ذال بر بالای سر او بکسی و شش ذال زیر گردن  
 او بکشی و زیر ناف او هشت ذال بنویسی بعد از آن در میان دو  
 گنجه بنویسی و بجز که تو خواهی که آن کس بدان گرفتار شود و  
 او را پس پاره پوست بره و با بخت کرده و او را در یکی از  
 سخت کنی و در منزلت دفن کنی در کوزه یا در تنوری که آنجا



آنچنان شود که تو  
 خواهی و صورت  
 اینست

واما زال هندی وان صورت هفتصد است بدین شکل  
 .. یکیر و جام اکینر یا یکا سر و برپرون ان چهل ذال  
 و باز کند شش خال و دندان درون جام یا کاسه یا زده  
 و باز کند ه صاد و بشوید انرا باید که آفتاب با و نوزد  
 وقت برگشتن از رودی وان حروف را بشوید و بهار  
 و ابدان آب و بگوید بان بخار دهد و اضافه کند بان آب  
 سه و قیر کلاب و بخور کند با خندان موی خوس یا موی  
 خر ماده یا خورق این عمل را بخورد و بت دارد باید که پیش از  
 طلوع آفتاب کند سه روز از ان روغ خلاصه یابد  
 حکیم گوید که این سری عظیم است هر که این حوض را بنویسد بر ک  
 ترنج مشک و کلاب که در انجا نیم مثقال مسک عصاره  
 هندی سوده باشد و ان چنان باشد که بتاند سه  
 برک ترنج و بنویس بر هر یک از ان سه ضاد و هر دو خنک  
 کذب باید نرم و بله بیماری را که در دود معده داشته باشد

وقت هضم با کلاب که در ان کلاب نیم مثقال مسک جو شایند  
 باشند و سه روز بکار دارد و صحرایند و از درد خلاص باشند  
 خدا نیجا هندی وان صورت هفتصد است بدین شکل  
 .. حوض بنویسد انرا جام اکینر صاف و بتد بروغ زان خالص  
 و یکتراط مشک حل کند و داغجا و زان روغ بمالد در پستانها و  
 انشین و قضیب بخورد تا که مداومت بر جماع و نفوذ قوی  
 کند و جماع بسیار کند و باید که همین روغ بکار دارد که ذکر است  
 و شیر نخورد و هر چه از ان سازند و گوشت کا و گوشت بز و گوشت  
 بره دو سه روزه مکرر کوفند دو ساله حکم  
 گوید هر کس بکشد برک صند بر هشت عدد و بر هر یک هفت طار  
 بنویسد و خشک کند و نباید نرم بود طعام انکرا نازد که مرگ  
 او را خواهد بعد از ده روز هلاک شود و چون خواهد که این عمل  
 باطل کند بنویس طاء هندک بر این شکل .. بر عفزان و مشک و کلاب  
 باب باران و آب جوئی طرف منزل انچه بدو لایق باشد خلاص او را کند